



# انترناسیونال

## ۲۸۲

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۸ بهمن ۱۳۸۷، ۶ فوریه ۲۰۰۹

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com سردبیر: مجسن ابراهیمی



شهلا دانشفر

## دستمزدها باید چندین برابر شود

امسال در شرایط بسیار متفاوتی نسبت به هر سال بحث بر سر تعیین دستمزد سال آتی برای کارگران داغ شده است. از یکسو شاهد صف متشکل تر و متحدتری از مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها هستیم. صفی که در آن دارند میگویند یک زندگی انسانی حق

صفحه ۴

## انقلاب ۵۷ و انقلابی که در راه است شباهتها و تفاوتها

این نوشته بر مبنای بخشی از یک سخنرانی در جلسه هفتگی اینترنتی تنظیم شده است



حمید تقوایی

موضوع بحث ما انقلاب ۵۷ و وجوه تشابه و تفاوت آن با انقلاب آتی است، منتهی ابتدا لازمست به این سؤال پردازیم که آیا اصولا انقلابی در راه هست؟ از کجا و چطور میتوانیم پیش بینی کنیم که در ایران انقلابی بوقوع خواهد پیوست؟!

### آیا انقلابی در راه است؟

روشن است که سیاست جزء علوم دقیقه نیست و نمیتوان با اطمینان کامل از وقوع یا عدم وقوع یک تحول اجتماعی- سیاسی نظیر انقلاب سخن گفت. اما میتوان روند اوضاع و سیر تحولات و شرایط عمومی سیاسی و اجتماعی و بخصوص نقش احزاب و جنبشها بر متن این شرایط سیاسی و اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار داد و در این سطح سؤال "آیا انقلابی در افق هست" سؤالی کاملا مربوط و موجه و قابل پاسخگویی است. طرح و پاسخگویی به این سؤال بخصوص از این نظر حیاتی است که اگر زمینه های سیاسی و اجتماعی شکل گیری یک انقلاب وجود داشته باشد آنوقت مساله وقوع یا عدم وقوع انقلاب

صفحه ۲

## جنایت مقدس

حمید تقوایی  
صفحه ۵

چپ شدن ماشین  
" طرح ارتقای امنیت  
اجتماعی"  
کیوان جاوید

صفحه ۹

اعتصاب سراسری معلمان در ۵ اسفند  
خود را برای اعتصابی قدرتمند آماده کنیم  
شهلا دانشفر

صفحه ۷

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست  
پیرامون فراخوان کانون صنفی معلمان به اعتصاب  
مرتضی فاتح

صفحه ۹

روز جهانی زن را به روز اعتراض بین المللی  
علیه رژیم آپارتاید جنسی در ایران تبدیل کنیم!  
صفحه ۱۱

صدای مردم  
در کانال  
جدید

صفحه ۱۲

سر بی کلاه جمهوری اسلامی  
مجاهدین، جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا  
ناصر اصغری

صفحه ۱۶

جمع اسپانسورهای کانال جدید  
تا این تاریخ، ماهانه ۱۴۶۲۴ دلار  
کانال جدید به کمک مالی شما نیاز عاجل دارد

صفحه ۱۰

ممنوعیت  
حجاب کودک  
در مدارس

گزارشی از شهناز مرتب  
صفحه ۸

تجزیه جبهه دوم خرداد  
پرتاب موشک امید، دور جدیدی از تقابل دو قطب  
در حاشیه رویدادها  
محمد رضا پویا

صفحه ۱۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دیگر هر اعتراض و مخالفتی با سرکوب و بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام روبرو میشود. چنین جامعه ای، مانند دیگر بخاری که همه منافذش را بسته اند و مدام آتش زیرش را تند تر میکنند، بالاخره منفجر خواهد شد.

امروز جامعه ایران دقیقا در چنین وضعیتی قرار دارد. اما اینکه آیا بر متن این شرایط انقلابی رخ خواهد داد ( و نه مثلا یک شورش و عصیان کور) و بخصوص اینکه آیا انقلاب پیروز خواهد شد و یا شکست خواهد خورد همانطور که اشاره کردم تماما به نقش نیروها و احزاب و جنبشهای سیاسی موجود بستگی پیدا میکند.

در سطح سیاسی پاسخ ما به سؤال آیا انقلابی در راه است مثبت است چون انقلاب را تنها راه رهایی از شر جمهوری اسلامی و رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه میدانیم. میگوئیم انقلاب میشود چون میخواهیم انقلاب بشود. چون میخواهیم انقلاب را تدارک ببینیم، آنرا سازمان بدهیم و رهبری کنیم و به پیروزی برسانیم. و این البته بهیچوجه امری ارادی و دلخواهی نیست. در آمریکا و یا عربستان سعودی، حتی اگر یک نیروی انقلابی مثل حزب ما وجود داشته باشد، نمیتواند از تدارک و سازماندهی انقلاب سخن بگوید اما در ایران جمهوری اسلامی حتی خود حکومت نگران تکرار ۱۸ تیر است و مانور سرکوب انقلاب سازمان میدهد. حتی ضد انقلابیون هم میدانند جامعه آستان یک انقلاب عظیم است. لنین میگوید انقلاب در شرایطی رخ میدهد که رژیم نتواند حکومت کند و مردم نتوانند تحمل کنند. و این به عین صفت حال شرایط امروز جامعه ایران است.

تا آنجا که به درماندگی حکومت مربوط میشود سالها است که جمهوری اسلامی با یک بحران عمیق و مزمن سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مواجه است و ما امروز انعکاس این وضعیت را در بهم ریختگی کامل صفوف رژیم و خود افشاگریهایشان از دزدیها و کلاشیهای یکدیگر مشاهده میکنیم.

حتی دارند از حذف ولی فقیه شان از قانون اساسی صحبت میکنند! یک روز برای جلوگیری

از انقلاب و بقول خودشان "جلوگیری از تکرار ۱۸ تیر" مانور نیروها انتظامی براه میاندازند و روز بعد، بعد از ناکامی در ارباب مردم، اعلام میکنند طرح امنیت اجتماعی اشتباه بوده است! یک روز دزدیهای یکدیگر را رو میکنند و برای همدیگر خط و نشان میکنند و یک روز در مورد حضور شبخ لنین و گسترش مارکسیسم در دانشگاهها بیکدیگر هشدار میدهند. جمهوری اسلامی هیچ زمان مانند امروز زبون و درمانده و مستاصل نبوده است.

از سوی دیگر در سطح جامعه و میان مردم مدتها است موضوع "خلاص شدن از شر آخوندها" نقل محافل است. مردم بارها در اعتراضاتشان رو در روی حکومت قرار گرفته اند و اعلام کرده اند "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه"، اعلام کرده اند "حکومت اسلامی نمیخوایم نمیخوایم"، و اعلام کرده اند "سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه!"

برای مردم سؤال اصلی اینست که چگونه میتوان از شر این حکومت خلاص شد. بعبارت دیگر مدتها است مساله قدرت سیاسی و موضوع ماندن و نماندن رژیم به مرکز توجه جامعه تبدیل شده است. مردم نه تنها در ابعاد وسیع توده ای از رژیم متنفر هستند بلکه آستین بالا زده اند که این حکومت را کنار بزنند و این واقعیت در هر فرصتی که مردم برای اعتراض بدست می آورند، نظیر ۱۶ آذر و یا اول مه و ۸ مارس و حتی چهارشنبه سوری و غیره، بروشنی خود را نشان میدهد.

در جامعه، بخصوص در جنبش کارگری و در میان زنان و جوانان و دانشجویان، اعتراضات وسیعی وجود دارد که گرچه در اکثر این حرکتها اعتراضی صریحا شعار سرنگونی مطرح نمیشود ولی خواست و شرکت مردم درگیر در این مبارزات و مضمون این مبارزات عملا خلاصی از شر حکومت است. کارگری که اعتصاب میکند ( و امروز این اعتصابات بسیار هم وسیع است) خودش را صرفا با کارفرما روبرو نمیبند بلکه با حکومت درگیر میشود، کارگران در برابر حراست و شوراها و دیگر نیروها و ارگانها سرکوبگر رژیم رودرو و سینه به سینه میایستند و

خواستهایشان را مطرح میکنند. این تقابل با حکومت در مبارزات دانشجویان صریح تر و مستقیم تر خود را نشان میدهد. در همین اعتراضات ۱۶ آذر گذشته دانشجویان شعار "فاشیست برو گم شو" و "مرگ بر دیکتاتور" و "سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه" را مطرح کردند. و یا قبل از آن شورش جوانان آریا شهر را داشتیم که اعلام کردند "حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم".

مضمون مشترک و اصلی همه این اعتراضات و اعتصابات اینست که جمهوری اسلامی باید برود.

این جنبش وسیع و سابقه داری است که حزب ما آنرا جنبش سرنگونی طلبانه مینامد. این جنبش گاهی شدت میگیرد و بصورت شورشهای شهری ظاهر میشود و با تظاهرات "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض" ( که از جمله در تجمع اعتراضی معلمان در دو سال قبل مطرح شد)، و یا شعار "حکومت اسلامی نمیخواهیم" خودش را نشان میدهد و گاهی هم محدودتر و بطئی تر، به شکل اعتصابات مطالباتی و یا مقاومت هر روزه زنان علیه حجاب، بروز پیدا میکنند ولی در هرحال این یک جنبش وسیع علیه حکومت است که مدام در حال پیشروی است.

عامل دیگری که افق انقلاب را در چشم انداز قرار میدهد حاشیه ای شدن نیروها و سیاستهای است که به نحوی سازش و مدارا با حکومت و یا جناح و بخشی از حکومت را تبلیغ میکنند. جامعه بعد از تجربه خاتمی و دو خرداد به شدت رادیکالیزه شده است و در مقابل کل حکومت قرار گرفته است. دیگر خط استحاله و تغییرات تدریجی و دل بستن به این یا آن جناح حکومتی جایگاهی در میان مردم ندارد. و این عبور از سیاستهای نوع دو خردادی به معنای جا باز کردن افق انقلاب و سرنگونی کل حکومت و نظام حاکم در افکار عمومی است. از این نقطه نظر میتوان گفت که تجربه اجتماعی توده مردم ( مشخصا در قبال پدیده دوخرداد) زمینه و فضای سیاسی جامعه را برای یک نقد و اعتراض عمیق رادیکال و انقلابی فراهم کرده است.

اگر مجموعه این شرایط را در کنار بحران اقتصادی فزاینده و

رسوایی حکومت بعنوان یک رژیم سرتا پا فاسد و دزد و جنایتکار قرار بدهیم آنوقت با جرات میتوان اعلام کرد که جامعه ایران در آستانه یک انقلاب عظیم قرار گرفته است.

### وجه تشابه انقلاب آتی با انقلاب ۵۷

انقلابی که در راهست شباهت چندانی به انقلاب ۵۷ نخواهد داشت. تنها در یک سطح عمومی، همانقدر که همه انقلابها بالاخره وجوه مشابهتی دارند که باعث میشود آنها را انقلاب بنامیم، انقلاب آتی نیز به انقلاب ۵۷ شبیه خواهد بود. از نظر شکل و شیوه تحولات در انقلاب آتی نیز مانند انقلاب ۵۷ توده های وسیع مردم شرکت خواهند داشت و تظاهراتها و اعتصابات توده ای شکل خواهد گرفت. انقلاب یعنی اعمال اراده توده عظیم مردم و انقلاب آتی در ایران نیز چنین خواهد بود.

از نظر مضمون مساله محوری انقلاب آتی مانند انقلاب ۵۷ قدرت سیاسی است. آنچه یک تحول اجتماعی را به یک انقلاب تبدیل میکند وسعت جمعیت و گستردگی شرکت کنندگان در اعتراضات و اعتصابات نیست بلکه مضمون و خواست آنست. انقلاب یعنی تحولی که مردم با خواست سرنگونی حکومت موجود به صحنه میآیند و تا سرنگونی حکومت از مبارزه دست نمیکشند. در انقلاب ۵۷ شعار "مرگ بر شاه" این اعتراض و نه عمومی مردم به حکومت را بیان میکرد و امروز شعار "حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم" میتواند و میرود که چنین نقشی ایفا کند. خواست سرنگونی حتی میتواند در شعار علیه خامنه ای و یا ولی فقیه بیان شود. همانطور که معنی واقعی و عملی شعار مرگ بر شاه سرنگونی کل نظام سلطنت بود هر شعاری علیه ولی فقیه نیز به معنی سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی است. (شعار "سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه" از چنین قابلیتیتی برخوردار هست). جمهوری اسلامی بدون ولی فقیه مانند نظام سلطنتی منهای شاه خواهد بود. نیروهای نظیر جبهه ملی و نهضت آزادی که در دوره انقلاب ۵۷ شعار "شاه سلطنت کند نه حکومت" را مطرح میکردند در واقع خواستار حفظ آن نظام بودند. همان نیروها امروز

خواهان جمهوری اسلامی منهای ولی فقیه هستند! اینبار میخواهند رهبر "فقاقت کند و نه ولایت و نظام اسلامی برجا بماند! شرایط عوض شده است اما خط و سیاست ضد انقلاب همان است!

جنبه دیگر شباهت شرایط امروز به دوران انقلاب ۵۷ آمال و خواست مردم و لذا مضمون انقلابی است که در ایران شکل میگیرد. خواست مردم در انقلاب ۵۷ آزادی و برابری و رفاه بود. مردم این خواست خود را با شعار مرگ بر شاه اعلام میکردند. مرگ بر شاه از نظر توده مردم بمعنای امحای اختناق و فقر و تبعیض و بیحقوقی بود. توده مردم به این دلایل علیه حکومت شاه انقلاب کردند اما این خواستها متحقق نشد. دقیقا به این دلیل متحق نشد که یک جریان ارتجاعی و ضد انقلابی یعنی خمینی و جنبش اسلامی هم در اپوزیسیون وجود داشت که بدلالی کاملا متفاوت و

صد و هشتاد درجه مغایر با دلایل مردم با حکومت شاه مخالف بود. خمینی همانطور که در خرداد سال ۴۲ اعلام کرد، بدلیل اصلاحات ارضی و دادن حق رای به زنان ( که آنرا رواج فحشا میدانست) و رواج بیحجابی و فرهنگ غربی و دلایل ارتجاعی دیگری از اینقبیل با شاه مخالف بود. این جریان ارتجاعی در غیاب یک نیروی رهبری کننده و واقعا انقلابی که خواستهای آزادی خواهانه و برابری طلبانه مردم را نمایندگی کند، توانست رهبری انقلاب را بدست بگیرد و آنرا به شکست بکشاند. دولتهای غربی که دقیقا ظرفیت و پتانسل چپ و آزادیخواهانه انقلاب مردم را میشناختند خمینی و اسلاميون، یعنی ارتجاعی ترین نیرو و شخصیت اپوزیسیون شاه را از کنج تاریخ بیرون کشیدند و بر تارک جامه نشانندند. در نتیجه انقلاب گرچه شاه را برکنار کرد، اما نتوانست هیچیک از خواستهای انسانی و برحق مردم را برآورده کند و بهمین دلیل امروز هم همان خواستها و آمال و آرزوها، این بار در قالب شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مضمون حرکات اعتراضی امروز و انقلاب فردای مردم را تشکیل میدهد.

اینها رؤس شباهتهای انقلاب آتی و انقلاب گذشته در ایران است که

## تجمع کارگران اخراجی در مقابل فرمانداری ورامین



مردم ورامین می خواهد که هیچگونه حمایتی را از این کارگران دریغ نکنند.

آزادی، برابری،  
حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری  
سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۰ ژانویه ۲۰۰۹،  
۱۱ بهمن ۱۳۸۷

ثروت میلیونی خود نمی گذرد، اما زندگی کارگران را به مطلوبیت فروش گره می زند. به گرو گرفتن زندگی کارگران عین جنایتی است که سرمایه داران اسلامی و حکومت اسلامی استاد آن هستند. حزب کمونیست کارگری از خواست بحق کارگران کارخانه قند ورامین و تجمع اعتراضی آنها حمایت می کند و از همه کارگران و

بنا به اخبار منتشر شده امروز ۱۱ بهمن ماه، بیش از ۱۰۰ تن از کارگران قراردادی کارخانه قند ورامین که قرارداد کارشان تمدید نشده بود، تجمعی اعتراضی را در مقابل فرمانداری ورامین برگزار کردند. شرط مدیریت شرکت برای تمدید قرارداد این کارگران "وضعیت فروش مطلوب" است. مدیریت این کارخانه از

## سوسیالیسم پیا خیز! برای رفع تبعیض

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

ارتجاع اسلامی بجای ارتجاع سلطنتی نشست. اما امروز پرچم انقلاب در دست حزب ما است. اعتراض مردم به وضع موجود دیگر نه با جریانات ارتجاعی و کپک زده ملی-مذهبی، بلکه با جنبش کمونیسم کارگری تداعی میشود و حزب کمونیست کارگری به سرعت و هر روز بیش از گذشته به نمایند "نه" انقلابی مردم تبدیل میشود. مضمون این "نه" از هم اکنون مهر آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی طبقه کارگر را بر خورد دارد: نه به حکومت اسلامی، نه به دخالت مذهب در دولت و قوانین و آموزش پرورش و کلیه شئونات زندگی مردم، نه به اعدام، نه به سنگسار و قصاص، نه به آپارتاید جنسی، نه به بی حقوقی کودک، نه به تبعیض فقر، و نه به بربریت سرمایه داری! این بار مردم بروشنی میدانند چه نمیخواهند و به چه اعتراض دارند، این يك اعتراض انسانی و ریشه ای و عمیق به وضعیت موجود است و حزب ما در شکل دادن به آن نقشی اساسی داشته است. این بار حزب ما تضمین میکند که نفی وضع موجود و سرنگونی جمهوری اسلامی آزادی و برابری و رفاه را به ارمغان خواهد آورد.

جامعه اعتراف میکند و از حضور "شیخ لنین" در دانشگاهها بخود میلرزد. این شرایط به این معنی است که این بار توده مردم از حزب و جنبش سوسیالیستی و انسانی طبقه کارگر الهام میگیرند و نقد و اعتراضشان به رژیم و نظام موجود از يك موضوع انسانی و سوسیالیستی است. این فضای چپ و رادیکال بشارت دهنده شکل گیری يك انقلاب چپ و سوسیالیستی در جامعه است. این بار بر خلاف دوره انقلاب ۵۷ جنبش سرنگونی طلبانه روشن و شفاف میدانند چه نمیخواهد و به چه اعتراض دارد. انقلاب تحولی سلبی است. هر انقلابی علیه حکومت، علیه وضع موجود و برای نفی و درهم کوبیدن نظم موجود شکل میگیرد. توده مردم انقلاب کننده خواستهای انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود را در قالب این حرکت نفی ای و اعتراضی بیان میکنند. و پیروزی و عدم پیروزی انقلاب، دقیقاً به این امر بستگی پیدا میکند که این حرکت نفی ای تا چه حد میتواند خواستها و آرمانهای انسانی توده انقلاب کننده را برآورده کند. انقلاب ۵۷ شکست خورد چون نفی نظام سلطنتی آزادی و برابری را بهمراه نیاورد. چون جریان ارتجاعی اسلامی و شخص متحجری مثل خمینی نماینده "مرگ بر شاه" شد و در نتیجه

مردمی که انقلابشان را تاراج کرده بودند بوسیله هیچیک از این دو جنبش نمایندگی نمیشدند. يك استاورد انقلاب ۵۷ شکل گیری يك جنبش انسانی، رادیکال، و سوسیالیستی بود که در ادامه خود به حزب کمونیست کارگری رسید. این جنبش نماینده واقعی شوراها، کارگران صنعت نفت و کارگران خارج از محدوده، زنان و دانشجویان و توده عظیم مردمی بود که به انقلاب ۵۷ شکل دادند. امروز این جنبش و حزب کمونیست کارگری پرچم انقلاب آینده را در دست دارد و صف انقلاب را در برابر کلیه نیروهای ضد انقلابی در حکومت و در اپوزیسیون نمایندگی میکند. به نظر من وجود حضور حزب کمونیست کارگری در متن شرایط سیاسی حاضر مهمترین و اساسی ترین تفاوت شرایط سیاسی امروز با دوره انقلاب ۵۷ است. اگر در دوره شاه جنبش ملی-اسلامی فضای سیاسی اپوزیسیون را تحت تاثیر خود داشت امروز این کمونیسم کارگری است که رنگ خود را به اعتراضات و مبارزات توده ای زده است. برای اولین بار در تاریخ ایران کمونیسم کارگری و نقد و اعتراض سوسیالیستی به وضعیت موجود در میان مردم جا باز کرده و گسترش یافته است. برای اولین بار سرود انترناسیونال در گردهماییها خوانده میشود و شعار سوسیالیسم پیا خیز و سوسیالیسم یا بربریت در تظاهرات مطرح میشود. و برای اولین بار طبقه حاکم به قدرت چپ در

از صفحه ۲ انقلاب ۵۷ و ...

اسلامی گرچه بوسیله راست ترین بخش جنبش ملی مذهبی بنا گذاشته شد اما در واقع اهداف و آرمان مشترک کل نیروهای ملی مذهبی (استقلال از آمریکا، بازگشت به فرهنگ خودی، صنایع مستقل و غیر موتاژ و غیره) از چپ تا راست را متحقق کرد و به این ترتیب کل این نیروها از اپوزیسیون خارج شدند، یا تماماً از رژیم دفاع کردند و یا حداکثر زمانی که رژیم آنها را از خود راند انتقادشان به انحصارگری و تمامیت خواهی خط امام و استحاله به يك نوع جمهوری اسلامی و اسلام نوع دیگر محدود شد. از سوی دیگر در اثر انقلاب ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی که بوسیله سلطنت طلبان نمایندگی میشد در اپوزیسیون و در برابر جمهوری اسلامی قرار گرفت. جنبش سلطنت طلب خواهان احیای وضعیت گذشته است و از همین رو آینده ای ندارد. هیچ جامعه ای آزادی و برابری و آمال و آرزوهای انسانی خود را در گذشته جستجو نمیکند. هیچیک از این جنبشها نه زائیده و حاصل انقلاب ۵۷ بودند و نه اصولاً ربطی به خواستها و آمال انقلاب داشتند. جابجا شدن جنبش ملی اسلامی و جنبش ناسیونالیسم سلطنتی در پوزیسیون و اپوزیسیون را باید در واقع تحولات سیاسی در صف صد انقلاب بحساب آورد.

همانطور که گفتیم در يك سطح عمومی تر میتوان آنها را وجه مشابهت همه انقلابها در عصر ما دانست. اما موضوع مهمتر تفاوتی این دو انقلاب و یا عبارات بهتر خودویژگیهای انقلاب آتی در ایران است.

### خود ویژگیهای انقلاب آتی

يك تفاوت اساسی در وضعیت سیاسی امروز با سی سال قبل موقعیت تازه ای است که جنبشهای اجتماعی اساساً در اثر و بدنیا آمدن انقلاب ۵۷ در جامعه پیدا کرده اند. در دوران حکومت شاه يك جنبش وسیع ملی-مذهبی در اپوزیسیون وجود داشت که از خمینی و طرفدارانش تا سازمان مجاهدین و نیروهای چپ سنتی را در بر میگرفت. همه این نیروها بدرجات مختلف نوعی شرفردگی و مخالفت با فرهنگ و هنر غربی را نمایندگی میکردند. چپ ترین شاخه این جنبش طرفدار رشد صنعت و تجارت و سرمایه داری ملی و خودی بود و راست ترین جناح آن یعنی خمینی و اسلاميون یکنوع بازگشت تمام و کمال به جامعه فئودالی را نمایندگی میکرد. این خط تماماً ارتجاعی و عقب مانده همانطور که اشاره کردم به راس انقلاب رانده شد و آنرا به شکست کشاند. مردم شکست خوردند اما جنبش ملی-مذهبی به مشروطه اش رسید. جمهوری

متن اولیه این نوشته را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است\*

## از صفحه ۱ دستمزدها باید چندین ...

مسلم ماست و جمع شده اند و طومار داده اند و خواست افزایش دستمزدها را مطرح میکنند. حرکتی بیسابقه که به راستی نشانگر رشد جنبش کارگری و موقعیت تازه ای در مبارزات کارگران است. حرکتی که تشکلهایی چون سندیکای کارگران شرکت واحد، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای نیشکر هفت تپه و مراکز متعددی از محیط های کارگری در صف مقدم آن قرار دارند و کلیه بخش های مختلف کارگری را به این جنبش اعتراضی فراخوانده اند. از سوی دیگر دولت با طرح "جراحی اقتصادی" خود گستاخانه تر از هر سال دارد رو به کارگران و رو به جامعه از عدم افزایش دستمزدها سخن میگوید و بند ۱۳، بند منجمد نگاهداشتن سطح دستمزدها، یک بند مهم و جنجالی این طرح است. با این طرح جمهوری اسلامی میخواهد عدم افزایش دستمزدها را به قانون تبدیل کند و تعیین میزان آن را به کارفرما و بازار بسپارد. به این معنی که اگر هر سال ما شاهد این بودیم که دولت از دو ماه قبل تلاش داشت که در مقابل تحركات جنبش کارگری بایستد و با جلو انداختن تشکلهای دست ساز خود "خانه کارگر" و "شوراهای اسلامی" زمینه را برای افزایش چندبرگانه سطح دستمزدها که تحت فشار کارگران ناگزیر بود به آن تن دهد، آماده کند، امسال با به میان آمدن طرح "جراحی اقتصادی" دیگر حتی خبری از آن بحث ها و میزان سید هزینه کارگر و نرخ تورم و ریزنی های "هر ساله نیست، همانطور که اشاره کردم بحث بر سر انجماد دستمزدهاست. در این رابطه اولین بار جهرمی وزیر کار بود که با اعلام اینکه از سال آتی دیگر شورای عالی کار تعیین میزان حداقل دستمزدها را در دستور نخواهد گذاشت و تعیین میزان دستمزد به بازار و به اختیار کارفرما گذارده خواهد شد، ششپور جنگ با کارگران و با کل جامعه را به صدا در

شرایطی که گرانی بیداد میکند و در آمارهای خود دولت صحبت از این است که میزان خط فقر ۴ برابر سطح دستمزدهاست و از خط فقر ۷۸۰ هزار تومانی سخن میگویند. از همین رو امروز ما شاهد این هستیم که آخرین بحث هایشان نیز بر سر این شوک تورمی و نگرانی از عواقب اجتماعی آن است و از زدن تدریجی یارانه ها دارند صحبت میکنند. بدین ترتیب شکست چنین طرحی آنهم در شرایط پر التهاب امروز جامعه روشن است.

در هر حال تمام سخن من اینست که دولت با طرح جراحی اقتصادی خود و با برنامه بودجه اش برای سال ۸۸ برنامه یک تهاجم گسترده به زندگی و معیشت کل جامعه را در دستور دارد. و به معنای واقعی کلمه ما با یک صف آراییی آشکار از سوی حکومت اسلامی در مقابل کارگران و کل جامعه روبرو هستیم. صف آراییی ای که جمهوری اسلامی از طریق مانور ناجا و قشون کشی های خیابانی اش پیش از این آنرا شروع کرده است. سعی کرد زور و بازویش را نشان دهد اما کارگران با گسترش اعتراضاتشان و دانشجویان با شعار "سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه"، و "مرگ بر دیکتاتور" جوابش را دادند.

با نگاهی به سیر اوضاع ما شاهد این هستیم که طرح اقتصادی احمدی نژاد دارد در کمیسیون های ویژه مجلس در هم میریزد. همانطور که اشاره کردم مهمترین بندهای آن که همانا بند مربوط به تعیین حداقل دستمزدها و پرداخت مبلغی نقدی در ازای حذف یارانه ها بود زیر سوال رفته اند. دولت وحشت زده از طغیان کارگران و توده های مردم لحن سخنش تغییر کرده است. میگویند نگران نباشید. بند ۱۳ حذف خواهد شد. تصحیح خواهد شد. دستمزدها را به روال هر سال اضافه میکنیم و خلاصه میخوانند حداقل اوضاع را به ۶ ماه قبل باز گردانند. اما اوضاع بیش از

هر وقت انفجاری است. از همین رو میخواهم این را بگویم که طرح جراحی اقتصادی رژیم و همه طرحهای دیگرش امروز طرحهای دولتی است که در استیصال و بحران دست و پا میزند. بحث های درونی خودشان بر سر طرح اقتصادی و بودجه سال ۸۸ و در کنار آن به سر و کله هم زدن و رو کردن دزدی های میلیاردی شان همه و همه به روشنی بی پایه بودن آنها را به نمایش میگذارد و بیش از هر وقت نشان میدهد که بحران رژیم اسلامی پاسخی اقتصادی ندارد. از همین رو امروز بطور واقعی جنگ به جای تعیین کننده و مهمی رسیده است. دولت برای اضافه کردن دو روز بیشتر به بقایش به همه چیز متوسل میشود و کارگران و کل جامعه دارند صف آراییی میکنند و از زندگی و معاششان دفاع میکنند و از داشتن یک زندگی بهتر سخن میگویند.

### تعرض سراسری برای افزایش دستمزدها حیاتی است

همه صحبت من این است که امسال بحث از مساله تعیین میزان حداقل دستمزدها فراتر رفته است. مساله معاش و بقای کل جامعه مطرح است. امسال رژیم کل جامعه را به چالش کشیده است و ما در اوضاع بسیار متحولی با بحث تعیین میزان حداقل دستمزدها روبرویم. از همین رو مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها امسال ابعاد بسیار سیاسی تر و اجتماعی تری بخود گرفته است. واقعیت اینست که امروز صفوف حکومت بیش از هر وقت بهم ریخته و آشفته است. همانطور که گفتم رژیم اسلامی با یک بحران اقتصادی و سیاسی عنان گسیخته ای روبروست. بهترین فرصت است که ضربه ای کاری بر آن وارد کرد. همانطور که قبلا هم در اطلاعیه حزب کمونیست کارگری گفته شده طرح جراحی اقتصادی جمهوری اسلامی در واقع طرح

جراحی خود حکومت است و امروز داریم می بینیم که چگونه در برابر آن وامانده اند. از سوی دیگر می بینیم که چگونه حکومت میکوشد که جنگ آخرش را بکند. باید با اتحاد گسترده و سراسری پاسخش را داد. باید صف اعتراض خود را متحد و سراسری کنیم. مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها امروز آن عرصه ایست که ظرفیت این را دارد که بیشترین نیروی اجتماعی را گرد آورد. باید وسیعا به همین حرکتهایی که به راه افتاده و مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها پیوست. طومار اعتراضی این کارگران را امضا کرد. حول آن گرد آمد و تجمعات کرد. باید اعلام کرد که ما مربوط نیست که قیمت نفت کاهش یافته است یا خیر. از پولهایی میلیاردی ای که به جیب زده آید با ما سخن بگویند. پول نفت بشکه ای ۱۴۰ دلار به کجا رفته است از آن برای ما سخن بگویند. باید گفت اینکه ماده ۱۳ طرح کذایی اقتصادی تان چه بلایی بر سرش خواهد آمد مساله ما نیست. ما اساس این طرح و این باساطان را قبول نداریم. ما خواهان یک زندگی انسانی هستیم. باید فوراً دستمزدها افزایش یابد. اگر حتی همان میزان خط فقری که این حضرات دارند از آن سخن میگویند را مینا بگیریم باید دستمزد ما حداقل رقمی حدود دو میلیون تومان باشد. اما تاکید اساسی تر من اینست که اگر قبول کنیم که دیگر مساله از موضوع دستمزد فراتر رفته است و دولت یک جبهه وسیعتری را در مقابل کل جامعه باز کرده است باید با یک اعتراض گسترده و سراسری برای به زیر کشیدن این رژیم پاسخ داد. و برای این کار باید متشکل شد. اینجاست که در ادامه همه تاکیداتی که حزب ما داشته است. فراخوان ما به کارگران اینست که وسیعا به حزب خود پیوندید. نبردی بزرگ و تاریخ ساز در پیش داریم. از هم اکنون باید برای آن وسیعا متحد و متشکل شد. \*

اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

یک دنیای بهتر  
برنامه حزب را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع کنید

## جنایت مقدس!

### حمید نقوائی

این نوشته بر مبنای سخنرانی در جلسه گفتگوی اینترنتی تنظیم شده است.

به دادگاه سپرده شوند. بنظر من جنایتی شنیع تر از سنگسار وجود ندارد. هیچ جنایتی شبیه سنگسار نیست. ببینید: انسانی را، اگر مرد باشد تا کمر و اگر زن باشد تا سینه، در خاک فرو می کنند و بعد با سنگ های متوسط (بر اساس حکم شرعی سنگسار این سنگ ها نه باید آنقدر بزرگ باشد که فرد فوراً کشته شود و نه آنقدر کوچک که صدمه چندانی نخورد بلکه باید به اندازه متوسط باشند که فرد زجر کش شود) آنقدر بر سر و صورت و نیم تنه اش می کوبند تا کشته شود. و اسم این جنایت فجیع را می گذارند اجرای عدالت، کیفر شرعی، جزای قانونی مجرمین و از این نوع مزخرفات.

هیچ جرمی در دنیا به اندازه خود حکم سنگسار جنایتکارانه نیست. این توحشی است که حتی اگر کسی در رابطه با حیوان هم مرتکب آن شود، باید اداره حمایت حیوانات بازداشتش کند. هیچکس نباید حق داشته باشد حتی با حیوانات چنین برخوردی داشته باشد. من شک دارم اگر کسی از انسانیت بویی برده باشد بتواند یک عکس یا فیلم سنگسار را ببیند و حتی یک دقیقه از آنرا تحمل کند. این، شنیع ترین، کثیف ترین و جنایتکارانه ترین عمل ممکن است، و صلور حکم سنگسار قبل از هر چیز نشان می دهد که این حکومت تا چه اندازه وحشی، جنایتکار و ضد انسان است.

سنگسار جزئی از قوانین مذهبی است که جمهوری اسلامی بر سر مردم حاکم کرده است. شلاق، قطع کردن دست و پای انسانها، درآوردن چشم و پرتاب کردنشان از بالای کوه، همه و همه از اجزاء دیگر قوانین قصاص اند. سنگسار یک نمونه، مظهر و سمبل شناخت، توحش و جنایتی است که در تمام این احکام قصاص وجود دارد.

### مجازات بیگناهان از جانب حکومتی که صلاحیت قضائی ندارد

هیچ جرمی در دنیا وجود ندارد که مستحق سنگسار باشد اما جنبه

فاجعه بارتر مساله اینست که "جرم" ای که بخاطر آن، حکم سنگسار را صادر و اجرا می کنند، اصلاً جرم نیست. فردی را بخاطر روابط جنسی خارج از ازدواج یا خارج از آن نرم های پوسیده اخلاقی و ناموسی که مذهب و جمهوری اسلامی در جامعه برقرار کرده است، می گیرند و با سنگسار زجرکش اش می کنند. چرا؟ به این دلیل که با کسی که دوست داشته رابطه جنسی داشته است! به این دلیل که بقول اسلامیون زنا می محسنه کرده است! این دخالت مستقیم در مسائل خصوص مردم است. رابطه جنسی افراد به قانون و دولت هیچ ربطی ندارد. اینکه افراد چطور و چگونه با یکدیگر رابطه جنسی برقرار میکنند، امری است بین افرادی که در آن رابطه هستند. هیچ ربطی به دولت و قانون ندارد، چه برسد اینکه جرم محسوب بشود. آنچه جرم است رابطه جنسی اجباری و بدون رضایت طرفین رابطه و تجاوز به زنان است، آنچه جرم است قوانین اسلامی در مورد ازدواج و طلاق و صیغه و تعدد زوجات است که تماماً بر بیحقوقی زنان و در واقع تجاوز به زنان بنا شده است.

رابطه جنسی آزادانه جرم نیست، مجرمین واقعی خود سنگسار کنندگان هستند. سنگسار جنایت به توان صد است به این دلیل که نه تنها فی النفسه یکی از کثیف ترین اعمالی است که یک انسان می تواند بر علیه انسان دیگر مرتکب شود بلکه این بی گناهان هستند که به این حکم محکوم می شوند، سنگسار می شوند و جان خودشان را از دست می دهند.

سنگسار قبل از هر چیز نشان می دهد که اساساً قصاص و قوانین جمهوری اسلامی، قوانین جنایت و آدم کشی است. جرم شناسی در این جامعه در کار نیست. هیچ نوع سیستم قضایی و کیفری و هیچ نوع دادگستری و دادخواهی ای در این جامعه در کار نیست و دقیقاً به همین دلیل، این حکومت به هیچ وجه صلاحیت قضاوت و رسیدگی به جرم ها را ندارد. آن احکامی که در جمهوری اسلامی به آنها "قوانین جنایی" می گویند، در واقع "قوانین جنایت" هستند. و قضاوت شرع خود

جانپانی هستند که باید به محاکمه سپرده شوند.

خوب، معلوم است آن آخوندی که در این حکومت حکم سنگسار می دهد، "قضاوت" را از کجا آموخته است. از حوزه علمیه قم. از قرآن و مذهب و احادیث و از توضیح المسائل. چنین مغزهای متحجره که کمترین درکی از جرم شناسی، فلسفه حقوق و قضا ندارند تنها میتوانند منشا بیعدالتی و جنایت باشند. اینان بی صلاحیت ترین افراد برای نشستن در مقام قضاوت هستند. آن قاضی شرعی که این احکام را صادر می کند، اگر در کلاس اول دانشکده حقوق در هر کجای دنیا وارد شود، در همان ترم اول با تپیا از دانشکده بیرونش می کنند و خودش را به محاکمه میکشند!

نفس قوانین شرعی نیز جنایتکارانه است. نگاهی به این لیست بکنید: سنگسار، شلاق، اعدام در ملأ عام، قطع دست و پا، درآوردن چشم، پرتاب از بلندی و غیره و این احکام از جانب حکام شرع، یعنی بی صلاحیت ترین افراد، و غالباً برای "جرم" های ناموسی و اخلاقی، یعنی آنچه اساساً جرم نیست، صادر میشوند!

مجموعه اینها فقط نشان می دهند که این سیستم "قضائی" از قضاوت شرع و قوانین اسلامی تا پرونده سازیها و شیوه محاکمات و غیره، تماماً سیستم جنایت است و هر حکمی هم که در چنین سیستمی بعنوان اجرای عدالت صادر شده است، منتهای بی عدالتی و حتی منتهای توحش، جنایت، و ضدیت با هر چیزی است که رنگ و بویی از انسانیت دارد. جمهوری اسلامی به هیچ وجه صلاحیت قضایی ندارد. تمام احکامی که در جمهوری اسلامی صادر و اجرا شده و تمام پرونده هایی که برای افراد تشکیل شده است، باید دوباره باز شده و مورد بررسی قرار گیرند. باید تمام این پرونده ها را در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی دوباره باز کرد و از خیلی ها اعاده حیثیت نمود. بسیاری را باید از زندان ها آزاد کرد و بخاطر این توحشی که سی سال است جمهوری اسلامی در حق مردم روا داشته است، به خانواده های بسیاری غرامت پرداخت.

یک جنبه دیگر مساله اینست

که جمهوری اسلامی صلور حکم سنگسار و بقیه قوانین وحشیانه قصاص اسلامی را بعنوان اسلحه ای برای مرعوب کردن و سرکوب کردن مبارزات مردم بکار میگیرد. این بخشی از خدمت مذهب به دیکتاتوری و به حکومت سرکوبگرانه طبقه حاکمه است. اسلام را حاکم کرده اند که از همین "برکات" اش برخوردار بشوند. این اسلحه را باید از دست مفتخوران حاکم گرفت و این یک جنبه دیگر اهمیت مبارزه برای جدائی مذهب از دولت با تمامی قصاص و احکام و قوانین ضد انسانی آن است.

### سنگسار و اخلاقیات پوسیده و ریاکارانه مذهبی

در حکم سنگسار منتهای عوام فریبی، ریاکاری و شناخت و شیادی و شارلاتانیسم مذهبی - اسلامی موج می زند. کسانی بخاطر باصطلاح اخلاقیات ناموسی و روابط جنسی انسانها با یکدیگر، احکام سنگسار و زجر کش کردن آدمیان را صادر می کنند که خودشان فاسدترین انسان ها هستند. از هر نظر و از جمله از لحاظ جنسی هم فاسد ترین انسانها هستند. منظورم از فساد جنسی چیست؟ این است که کسی رابطه جنسی با دختران نه ساله را مجاز بشمارد. این تجاوز به کودکان است! فساد جنسی یعنی بزور شوهر دادن دختران و سلب حق طلاق از آنان. فساد، تجارت سکس و فحشائی است که آخوندهای حاکم تحت نام صیغه موقت در جامعه براه انداخته اند. اینها حکم سنگسار می دهند! کسانی که همین چند وقت پیش لایحه تعدد زوجات را به مجلس بردند که بر اساس آن هر مردی می تواند تا چهار زن داشته باشد و تا صد صیغه! و هیچیک از زنان هم حق اعتراض و مخالفت ندارد! اینها حکم سنگسار صادر می کنند. کسانی که تجاوز جنسی به کودکان و زنان را قانونی کرده اند. کسانی که فحشای کودکان را به قانون تبدیل کرده اند! کسانی که در زندان ها و قبل از اعدام دختران، به آنها تجاوز می کنند تا بقول خودشان "باکره به

از صفحه ۵ **جنایت مقدس! ...**

آن دنیا نروند!" آیت الله ها و "آقازاده" هائی که بر اساس پرونده هایی که خودشان از هم رو کرده اند، دختران جوان را در شرکت ها استخدام می کنند و وادارشان می کنند که بطور عریان در مقابلشان نماز جماعت بخوانند. اینها کلید دار اخلاقیات جامعه شده اند و برای باصلاح روابط خارج از ازدواج مردم، حکم سنگسار صادر می کنند. این منتهای شارلاتانیسم و دغل کاری و ریاکاری است و نشاندهنده يك جنبه دیگر از توحش و شاعتی است که در این احکام سنگسار وجود دارد.

**جنایت مقدس!**

جنبه دیگری که می خواهم به آن اشاره کنم، نقش مذهب در این میان است. به جرأت می توان مدعی شد که اگر مذهب پشت این احکام قصاص اسلامی وجود نداشت و اگر سنگسار يك حکم مذهبی نبود، حتی يك مورد سنگسار هم نمی توانست در صد سال اخیر در دنیا اتفاق بیافتد. این جنایت را در حاله ای از تحکم و تقدس مذهبی میپوشانند و بخورد مردم میدهند. منظورم تمام مذاهب است. در مذهب یهودیت هم سنگسار وجود دارد و دین اسلام این را از مذهب یهودی وام گرفته است. در پاسخ به اینکه برخی می گویند سنگسار در قرآن نیست یا بد تعبیر شده است یا غیره، باید گفت که مساله برسر تعابیر مختلف از قرآن نیست. مسئله این است که مذهب به این امر تقدس می دهد. این را تبدیل به حکم موجود نامعلومی به اسم خدا می کند که نمی شود روی حرفش، حرف زد و حکومت ها هم بخاطر یکسری منافع کاملاً زمینی و بخاطر زندگی این دنیایشان، به مذهب و به این احکام خدایی متوسل می شوند تا سلطه سیاسی و اقتصادی خودشان را تداوم ببخشند. و این دقیقاً کاری است که جمهوری اسلامی می کند. در تمام قرون وسطی و در تمام طول تاریخ هم همینطور بوده است و مذهب همواره همین نقش را ایفا کرده

خود نشاندهنده این است که مذهب چه بلایی می تواند بر سر انسان بیاورد. بنظر من، اگر کسی در اعتراض به این توحش تردید کند، حتی اندکی در محکومیت این جنایت درنگ و تأمل کند و فکر کند خوب، شاید در مواقعی لازم باشد یا شاید در مواقعی يك نفر واقعاً مستحق این حکم باشد، نفس همین نشان می دهد که آن انسان تا چه اندازه مسخ شده است. نشان می دهد که تا چه اندازه، شخصیت آن انسان زیر آوار خرافات مذهبی تحریف شده و از انسانیت دور شده است. بنظر من، اگر تقدس مذهب از سنگسار گرفته شود، حتی قشری ترین و محافظه کارترین افراد در ماهیت جنایتکارانه سنگسار تردید نخواهند کرد. اگر مذهب نبود، حتی بیعاطفه ترین انسان ها تا این اندازه مسخ نمی شدند و از انسانیت و هویت انسانی خودشان فاصله نمی گرفتند و حتی جانی ترین دولتها جرات صلور چنین احکامی را بخود نمیدادند.

**مذهب را باید به سطح يك امر شخصی عقب راند!**

جمهوری اسلامی و سی سال حاکمیت این جنایتکاران، خصلت ضد انسانی مذهب را به مردم نشان داده است. حزب ما معتقد است که باید بساط مذهب از دولت، از قوانین، از آموزش و پرورش و از تمام شئون اجتماعی و اداری جمع شده و مذهب به يك امر خصوصی تبدیل شود. نه به این خاطر که با مذهب بعنوان امر خصوصی موافقیم. بلکه به این دلیل که فکر می کنیم تنها با روشنگری و نقد فکری و فرهنگی میتوان خرافات مذهبی را از اذهان بیرون راند و عقب راندن مذهب به سطح يك عقیده شخصی راه را برای این روشنگری بیشتر فراهم میکند.

مذهب امروز فقط يك عقیده نیست. يك کار و کسب است. يك دکان است. يك صنعت نظیر صنعت دخانیات است که بوسیله نذر و نذورات، خمس و زکات و حق امام و اوقاف و غیره گرفته تا این بساط مفتخوری ای که دیگر در جمهوری اسلامی - با دزدیهای میلیاردی آیت الله ها - به منتهای درجه رسیده است، سر پا نگاه داشته شده است. مسیحیت و دیگر مذاهب هم همینطورند. واتیکان در ایتالیا يك صنعت بزرگ مافیایی است همانند اسلام در ایران و در دیگر کشورهای اسلامزده.

دکان مذهب کالای خود را با جزمیت و تقدس بمردم غالب میکند. مذهب يك دگم است. يك

امر مقدس است و قابل نقد نیست. اگر خدا گفته که باید کسی را تا کمر در خاک فرو کرد و با سنگ آتقدر به سرش کوبید تا کشته شود، حکم الهی است و باید اجرا شود! این تقدس و غیر قابل نقد بودن به مذهب يك موقعیت انحصاری ویژه و برتر نسبت به همه عقاید دیگر میبخشد. برسمیت نشناختن آزادی اندیشه و جزمیت و سرکوب عقاید دیگر در نفس هر مذهبی است.

نکته دیگر که نشان میدهد مذهب در جوامع امروزی صرفاً يك عقیده نیست اینست که مذهب برخلاف تمام عقاید دیگر ارثی است. کسی که در يك خانواده مسلمان، یا درست تر است بگویم منسوب به اسلام، بدنیا آمده خودبخود مسلمان تلقی میشود (و اگر بخواهد اسلام را ترك کند بحکم قوانین شرعی خودش حلال است!).

ارثی بودن خصلت همه مذاهب است. کسی به مذهبش قانع نمیشود بلکه آنرا به ارث میبرد. برسمیت شناسی مذهب بعنوان عقیده شخصی به این معنی است که این موقعیت ویژه را در همه این موارد باید از مذهب گرفت و با آن همانند و همسطح عقاید دیگر برخورد کرد. باید بساط دزدی و چپاولگری مذهب بعنوان يك کار و کسب را جمع کرد و مانند صنعت دخانیات حسابهای مالی آنرا تحت کنترل قرار داد.

باید ارثی بودن مذهب را برسمیت نشناخت. کودکان مذهب ندارند. باید تقدس و جزمیت و تابو بودن مذهب را در هم شکست. يك رکن مهم آزادی عقیده در هر جامعه ای آزادی نقد مذهب است. هر کس آزاد است هر مذهبی داشته باشد و هر کس آزاد است به هیچ مذهبی معتقد نشاند! هر کس باید بتواند آزادانه عقاید مذهبی یا ضد مذهبی خود را بیان کند؛ به شکل کتاب و مقاله و فیلم و طنز و نمایشنامه و یا هر نوع شیوه بیان دیگری. با دولت و یا قوانین نمیتوان و نباید به سراع عقاید رفت. راه نقد عقیدتی مذهب آموزش و روشنگری است و شرط این کار هم برسمیت شناسی آزادی بیقید و شرط بیان هم برای مذهبیون و

هم بخصوص برای بیخدایان و مخالفین مذهب است. چون مذهبیون در تمام طول تاریخ مانعی در نشر نظراتشان نداشته اند، این اتمه نیستها و منتقدین مذاهب بوده اند که همواره تحت پیگرد و اعدام و فتوای قتل و ارتداد و غیره قرار داشته اند. ما خواستار آزادی بی قید و شرط عقیده هستیم بخصوص به این دلیل که جامعه بتواند پس از هزار و چهارصد سال تحت فشار مذهب بودن، نفس بکشد، بیرون بیاید و نسبت به مذهب اعتراض و انتقاد کند. تحقق آزادی عقیده به نظر من مهمترین سلاح ما در نقد نظری و فکری مذهب است. جامعه انسانی به مذهب احتیاجی ندارد. مذهب، یعنی بندگی و اسارت و همواره هستند کسانیکه بعنوان نمایندگان خدا، خون مردم را در شیشه می کنند تا منافع زمینی خودشان و طبقات مفتخور را تأمین و پاسداری کنند. در قرون وسطی، مسیحیت در تمام اروپا همین کار را کرد و امروز هم اسلام در جمهوری اسلامی به همین کار مشغول است. جامعه آزاد، جامعه ای است که خدا و مذهب را نقد کرده و کنار زده باشد.

امیدوارم با برنامه های زنده ای که تلویزیون کانال جدید در روزهای اخیر داشته است، با تلاش هایی کمیته بین المللی علیه سنگسار، و با فعالیتهائی که حزب ما و دیگر نیروهای انسان دوست برای لغو سنگسار و احکام سنگسار انجام می دهند، بتوانیم عزیزانی را که زیر این حکم هستند، نجات دهیم. به هیچ وجه نباید اجازه داد که جمهوری اسلامی حتی يك نفر دیگر را سنگسار کند و فراخوان من به همگان این است که بر علیه این رژیم جانی و آدمکش به میدان آمده و اعتراض کنند. راه حل نهایی، سرنگون کردن این حکومت است. راه حل سرنگون کردن حکومت اسلامی و بر پا کردن جامعه ای است که بشود بطور آزادانه، مقدسات و دگم های مذهبی را به بحث و نقد کشید و آنها را حتی از ذهن افراد کنار زد.\*

این مطلب را هادی وقفی  
پیاده و تایپ کرده است.

## اعتصاب سراسری معلمان در ۵ اسفند خود را برای اعتصابی قدرتمند آماده کنیم

### شهلا دانشفر

زمزمه اعتراض در میان معلمان بیش از هر وقت بالا گرفته است. بدنبال سالها اعتراض و مبارزه هنوز هیچیک از خواستههای آنان پاسخ نگرفته است. کانون صنفی معلمان اعلام کرده است که اگر در مورد خواستههای اعلام شده از سوی دولت پاسخی داده نشود برای ۵ اسفند معلمان دست به اعتصاب سراسری خواهند زد. این فراخوان به جنب و جوش در میان معلمان شدت داده است. باید خود را برای اعتصابی متحد و قدرتمند آماده کنیم. من اینجا تلاش میکنم که با نگاهی به مبارزات چند ساله معلمان، با نگاهی به خواستها و مطالباتشان و اشاره‌ای به موانع پیش روی مبارزات آنان تصویری روشنتر از موقعیت امروز معلمان بدست دهم.

### نگاهی به مبارزات سالهای اخیر معلمان

معلمان طی یک دهه اخیر مبارزات با شکوهی داشته‌اند. مبارزاتی که نقش و جایگاه مهمی در اوضاع سیاسی جامعه داشته است و به سهم خود بر روی سیر تحولات جاری تاثیر گذاشته است. مباراتی که باعث شده توجه جامعه را به خود جلب کند و با هر زمزمه اعتراضی از جانب آنان همه سرها بطرفشان خم شود و همگان گوش به زنگ اتفاقات مهمی باشند. از جمله در سال ۸۰ بود که هزاران نفر از معلمان در مقابل مجلس جمع شدند و علیه تبعیض و نابرابری فریاد زدند و با شعار معلم ۶۰ تومان، نماینده ۶۰ میلیون! معلم کارگر اتحاد اتحاد! اصلاحات دروغه دروغه، معلم می میرد ذلت نمی پذیری، اعتراض خود را به تبعیض و نابرابری در جامعه اعلام کردند و جواب خود را به "دولت اصلاحات خاتمی" نیز دادند. در این حرکت اعتراضی معلمان توقع بالایی از خواستها و مطالبات خود اعلام داشتند.

این حرکت اعتراضی در آنموقع از سوی خانه معلمان و تشکلهای صنفی دیگر معلمان فراخوان داده شده بود. اما معلمان از فرصت استفاده کردند. جلو افتادند و هنگامیکه این تشکلهای آنها را به سکوت و آرامش فرامیخواندند، آنها را دور زدند و اعتراض به اعتراضی

تاریخی و هزاران نفره تبدیل شد. ابعاد گسترده این اعتراض و حمایت مردم از معلمان چنان انعکاسی داشت که در سال بعدش هنگامیکه زمزمه اعتراضات معلمان بالا گرفته بود و آنها خواستههایشان را پیگیری میکردند، خانه معلمان در نامه‌ای به خاتمی تحت عنوان به خطر افتادن امنیت کشور که در واقع اشاره اش به خطر اعتراضات معلمان بود در مورد عواقب این خطر هشدار داد و بدنبال همه این هشدارها اعتراض خانه معلم در نامه‌اش این بود که "چرا موضوع تحقیق و تفحص در مورد آموزش و پرورش از دستور کار مجلس خارج شده است." با این کار خانه معلمان تلاش داشت اعتراض معلمان را در چهارچوب قوانین موجود و وعده و وعیدهای مجلس مهار کند. در همان موقع دولت خاتمی سراسیمه کمیته ویژه رسیدگی به خواستههای معلمان تشکیل داد. قول و وعده‌ها دادند. ولی هیچکدام تحقق نیافت. بدین ترتیب اعتراضات معلمان ادامه یافت و در سال ۸۱ علیرغم همه این رایزنی‌ها بار دیگر در ۲۲ آذر ماه چند هزار معلم به خیابانها ریختند. راهپیمایی کردند و با نیروی انتظامی درگیر شدند و شعار دادند معلم اتحاد اتحاد، وعده‌های تو خاتمی نمیشود خواست ما، توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد، ما را کنند نصیحت خود در ناز و نعمت، معلم اعتصاب اعتصاب، و با این شعارها و با اعتراضاتشان در واقع به دولت اعلام جنگ دادند و قاطعانه بر خواستههایشان پای فشردند. اما باز هم دولت با تهدید، دستگیری و وعده و وعید، تلاش کرد این مبارزات را به عقب براند. در سال ۸۲ ما شاهد اعتراضات سازمانیافته تری از سوی معلمان بودیم. معلمان الگوی خوبی از اعتصاب سراسری بدست دادند و در ۱۳ مهر ماه روز جهانی معلم، در تمامی شهرها دست از کار کشیدند. در این روز در تهران معلمان به جلوی وزارت آموزش و پرورش رفتند و با شعارهای رادیکالی چون مسئولین مملکت خجالت خجالت، مسئولین مملکت خود در رفاه و نعمت ما را کنند نصیحت، تا حق خود نگیریم آرام نمینشینیم بر خواستههایشان تاکید کردند. بعد از این اعتراضات وعده‌هایی به معلمان داده شد. اما

چگونه هوشیارانه از هر فرصتی برای بیان اعتراضاتشان استفاده میکنند، وسیعا به میدان می‌آیند. اما اجازه نمیدهند که از بالاسرشان رایزنی شود. بدنبال این حرکت فشار بر روی معلمان شدت یافت. تعدادی دستگیر شدند. معلمان رادیکال احضار و احکام تبعید و اخراج و زندان گرفتند و آنچنان فضای امنیتی‌ای بر مبارزات آنان حاکم شد که معلمان نیاز به فرصتی برای تجمع کردن و دورخیزی دوباره داشتند. بر همین روال این مبارزات در این شهر و آن شهر ادامه یافت تا امروز که دوباره بحث بر سر اعتصاب سراسری معلمان است. همه این اتفاقات بیش از هر چیز نشانگر پتانسیل و شرایط آماده برای ادامه اعتراض معلمان در شرایط امروزیست. شرایطی که جامعه در التهاب اعتراض میسوزد و با توجه به اینکه مبارزات معلمان جایگاه بسیار مهمی در میان مردم دارد، باید فرصت را دریافت و با قدرت تمام به استقبال ۵ اسفند روز اعتصاب سراسری معلمان برویم.

### خواستههای معلمان

خواست معلمان افزایش حقوق‌ها و بهبود سطح زندگیشان است. معلمان به کم قانع نبوده و در همان اولین سال مبارزه‌شان با شعار معلم ۶۰ هزار نماینده ۶۰ میلیون به عمیق ترین شکلی اعتراض خود را به جامعه نابرابر کنونی اعلام کردند. معلمان گفتند که نمیخواهند زیر خط فقر زندگی کنند. گفتند معیشت منزلت حق مسلم ماست. و بر حق تشکر، حق اعتصاب و زودده شدن خرافات از کتابهای درسی تاکید کردند و خواهان آموزشی انسانی و سکولار شدند. اجرای طرح نظام هماهنگ حقوقها، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن و بهداشت رایگان و فراهم شدن امکان تحصیل فرزندانشان از دیگر خواستههای معلمان بود که بارها و بارها در قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایشان اعلام داشتند. سطح خواستها و توقعات رادیکال معلمان بطور واقعی تاثیر خود را بر سطح انتظار و توقعات بخش‌های دیگر جامعه نیز گذاشت و به این اعتبار مبارزات معلم تاثیر مهمی در رادیکال تر شدن و پیشروی جنبش کارگری و مبارزات دیگر بخش‌های جامعه داشت.

طبعا جوهر اصلی خواستههای معلمان را بطور واقعی در شعارها و در تجمعات اعتراضی شان میتوان دید. اما در شرایطی که کارگر، معلم

و کل بخش‌های جامعه از داشتن حق تشکر خود محروم هستند، در شرایطی که هر تلاشی برای متشکل شدن با تهدید و فشار و سرکوب رویرو میشود، معلمان همواره از وجود تشکلهایی چون خانه معلمان و کانون صنفی معلمان و غیره هوشیارانه بعنوان ابزاری برای گرد آمدن، اعتراض کردن و پیشبرد مبارزاتشان سود جسته‌اند. تشکلهایی که اساسا تاکیدات جریانها غالب بر آن بر مبارزات آرام و صنفی و در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی بوده است، تاکیداتشان بر اتخاذ تاکتیک‌هایی چون جمع شویم، اما شعار ندییم و دعوت به تجمعات آرام بوده است. اما معلمان از همه این فرصت‌ها استفاده کردند. بیرون آمدند و شعارهای خود را دادند. از جمله در طول اعتراضات چند ساله معلمان ما شاهد این هستیم که هر فراخوان از سوی تشکلهای صنفی موجود به اعتراضی گسترده از سوی معلمان تبدیل شده است. و در تمامی این اعتراضات دیده‌ایم که هر جا که کار از دست این جریانها و سرانشان خارج شده است و تلاش کرده‌اند که معلمان را به آرامش دعوت کنند، دیگر کار از کار گذشته و حرکت معلمان به یک قدرتمندی بزرگ تبدیل شده است. این را در نگاهی به سیر مبارزات چند ساله معلمان که بالاتر اشاره کردم به روشنی میتوان دید.

در رابطه با خواستها و مطالبات معلمان نیز مساله از همین قرار است. اگر به لیست خواستههای اعلام شده از سوی کانون صنفی معلمان و دیگر تشکلهای صنفی موجود نگاه کنیم می‌بینیم که اجرای طرح نظام هماهنگ حقوق‌ها در راس مطالبات معلمان قرار گرفته است. روشن است خواست حقوق و مزایای برابر با دیگر کارکنان دولت از سوی معلمان خواست برحق است. اما عملی شدن آن منوط به مراحل پیچیده و مصوبات مجلس و سردواندن معلمان بدنبال آن بوده است. طرحی که چند و چون اجرای آن و اینکه سرانجام بعد از همه سردواندن ها نصیب هر معلم چه خواهد شد برای بسیاری از خود آنان ناروشن است. و در واقع این همه داستانی است که در طول این دهسال مبارزه معلمان و سردواندن‌ها و فرسوده کردن اعتراضاتشان ما شاهدش بوده‌ایم.

یک خواست برحق که مراحل قانونی و ناروشنی آن به سنگی بزرگ در مقابل

## ممنوعیت حجاب کودک در مدارس

شهناز مرتب

اسلامی و مذهب هنرنمایی کردند، بخش آخر برنامه بحث و پرسش و پاسخ بود که اکثر شرکت کنندگان با قاطعیت خواهان ممنوعیت حجاب کودک در مدارس بودند و بخصوص بحث و سخنرانی مینا احدی در رابطه با نقش اسلام سیاسی در دنیا و در حال حاضر در اروپا و خطرات آن و نقش حجاب در اسلام با استقبال زیادی از طرف شرکت کنندگان روبرو شد،

گزارشی از شهر دوسلدورف آلمان روز جمعه ۳، ژانویه کنفرانس بزرگی در ممنوعیت حجاب کودک در شهر دوسلدورف آلمان برگزار شد در این کنفرانس سخنرانان: مینا احدی، رالف جردانو، میسایل شمیت سالمون، امل زینالعابدین، گابی شمیت، کلاوس بلس، کولین شوبرت سخنرانی کردند، پروانه حمیدی در نقد جمهوری



### از صفحه ۷ اعتصاب سراسری معلمان ...

امروز در زیر خط فقر هستند. بنابراین باید اعلام داشت که ما معلمان ضمن اینکه خواهان برابری حقوق خود با دیگر کارکنان دولت هستیم اما خواست فوری و اصلی ما افزایش سطح حقوق ها و دستمزدهاست و در وهله اول خواهان آنچنان سطحی از حقوق و مزایا هستیم که بتوانیم زندگی انسانی داشته باشیم. این آن گام اساسی است که امروز باید از سوی معلمان برداشته شود و اتفاقا با برداشتن چنین گامی است که دیگر جلوی این سردانندن ها و حواله دادن ها به طرح های ناروشن که در دست اقدام است و غیره را خواهیم گرفت و نخواهیم گذاشت که بار دیگر ما را تحت عنوان رایزنی با نمایندگان مجلس و غیره به انتظار نگاهدارند و مبارزاتمان را به فرسودگی بکشانند. باید از فرصت استفاده کنیم و بار دیگر رسا تر از هر وقت اعلام کنیم، معیشت منزلت حق مسلم ماست و به استقبال اعتصابی قدرتمند، سراسری در ۵ اسفند برویم.

#### وعده و وعید بس است

همانطور که بالاتر اشاره کردم علیرغم مبارزات با شکوهی که معلمان در طول سالها داشته اند اما دهسال است که آنان را سر میدوانند. به خواسته‌هایشان پاسخ نمیدهند و شرایط زندگیشان هر روز سخت تر و دشوار تر میشود. امروز شعار اول معلمان باید این باشد که وعده و وعید بس است.

کوتاه نمی آیم. این جوابی برای کانون صنفی معلمان و دیگر تشکلهای صنفی از همین صنف نیز هست. همانطور که اشاره کردم مبارزات تا کنونی معلمان به لحاظ رادیکالیسم و اشکال اعتراضی اش الگوهای خوبی از اعتراض برای بخش های دیگر جامعه بوده است. معلمان با اعتصابات گسترده و سراسری خود الگوی خوبی از اعتصابات سراسری را به جامعه دادند. اما آنچه که به عنوان مانع بر سر پیشروی بیشتر این مبارزات عمل کرده است یک تازی گرایشی است که همواره و سر بزنگاه آنجا که معلمان قدرتمند به میدان آمده اند، آنها را به آرامش دعوت کرده اند و خود بعنوان نمایندگان معلمان به رایزنی پرداخته اند. نمونه آن ۱۲ اردیبهشت امسال بود. یعنی درست هنگامیکه گمان اعتراض گسترده ای از سوی معلمان میرفت، کانون صنفی با فراخواندن معلمان به تجمع در مزار مطهری و خانعلی در این روز اردیبهشت تحت عنوان روز معلم سعی کرد این مبارزات را ترمز کند. حتی بخشی از سران کانون راست روی را به آنجا کشاندند که برای نمایندگی در مجلس، شرمگینانه اعلام کاندیداتوری کردند. این گرایشی است که باید با جلوی صحنه آمدن هر چه بیشتر فعالین رادیکال و چپ و مبارزات متحد معلمان، به عقب رانده شود.

**متحد و سازمانافته برای اعتصابی سراسری خود را آماده کنیم**

تا ۵ اسفند فرصت کمی باقی مانده است. از هم اکنون خواستهای خود را بصورت بیانیه هایی روشن و شفاف اعلام کنیم و بر سر در نواحی شانزده گانه تهران و شهرهای مختلف بگویم و همه معلمان را به متحد شدن حول این خواستها فرابخوانیم. خواست افزایش فوری حقوقها را در صدر خواستهایمان قرار دهیم. اعلام کنیم که ما معلمان نیز در کنار کارگرانی که امروز خواست افزایش فوری دستمزدها را اعلام داشته اند، خواهان افزایش فوری سطح حقوقهایمان هستیم. اعلام کنیم که پاسخ ما خط فقر نیست، خط رفاه است. ما مسکن مناسب و بهداشت رایگان میخواهیم. ما یک آموزش و پرورش انسانی و سکولار میخواهیم. ما حق تشکل و حق اعتصاب را حقوق مسلم خود میدانیم و از خواستهایمان نیز کوتاه نمی آیم. اعلام کنیم که به تعویق پرداخت حقوق ۴۰۰ هزار معلم حق التدریسی، این همکاران محرومان که سالهاست تدریس میکنند و از ابتدایی ترین حقوق محرومند معترضیم و خواهان رسمی شدن فوری استخدام آنها هستیم. با بیانیه هایمان و قطعنامه هایمان جامعه را به اتحاد و همبستگی با مبارزاتمان فراخوانیم. از هم اکنون لیست خواستهایمان را در بستر روابط مبارزاتی که در این سالها شکل

گرفته است با همکارانمان در شهرهای مختلف در میان بگذاریم و حرکتی رادیکال و سراسری حول خواستهای برحق مان شکل دهیم. بدون شك در شرایطی که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد، در شرایطی که گرانی بیداد میکند و دولت با پیش کشیدن طرح جراحی اقتصادی برای حمله ای دیگر به معیشت جامعه کمین کرده است، حرکت اعتراضی گسترده معلمان با بیشترین حمایت جامعه روبرو خواهند بود و میتواند کل جامعه را به تحرك در آورد. باید به استقبال ۵ اسفند روز اعتصاب قدرتمند و سراسری معلمان در تمامی شهرها برویم و خود را برای یک قدرتمندی دیگر آماده کنیم.

آخرین سخن اینکه، اولین شرط رها شدن مبارزات معلمان از دور تسلط تا کنونی آن، برای شکل گرفتن اعتراضاتی قدرتمند که اجازه ندهند که باز از بالای سر معلمان عده ای مشغول رایزنی با نمایندگان مجلس و غیره شوند و نتیجه اش سردواندن آنان باشد، جلوگیری از معلمان در حزب خود، حزب کمونیست کارگری ایران است. لازمه اش نشستن پای برنامه های کانال جدید و دنبال کردن مباحث و نقطه نظرات این حزب حول این مبارزات و عرصه های مهم مبارزه علیه این رژیم متوحش سرمایه است. من اینجا همه معلمان چپ و رادیکال را به متشکل شدن در حزب خود فرا میخوانم.\*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلائی بدل میشود!



## چپ شدن ماشین " طرح ارتقای امنیت اجتماعی "



کیوان جاوید

به نیروی مردم به شکست می کشانیم. بی شک تا روزی که این حکومت فاشیست اسلامی سر کار است دست به جنایت می زند و از پس هر شکست طرح دیگری را برای مهار مبارزات مردم به نمایش خواهد گذاشت. اما در پس هر شکست، رژیم در موقعیت شکننده تری قرار می گیرد، صفوفش متفرق تر می شود و مردم موقعیت قابل اتکا تری بدست می آورند که حکومت اسلامی را سرنگون کنند. ما میدانیم و همه هر چه وسیعتر باید با همه وجود شان حس کنند که مردم ایران مرعوب رژیم اسلامی نیستند که این رژیم اسلامی است که مرعوب مردم شده است. برای پیروزی نهائی فقط باید به ستاد رهبری کننده سرنگونی حکومت اسلامی، حزب کمونیست کارگری پیوست. تنها این حزب می تواند بر ویرانه های حکومت دزدهای میلیاردر اسلامی جامعه ای آزاد، برابر و انسانی بنا کند. \*

ما مردم ایران و حزب کمونیست کارگری البته این شکست سخت را به پای جمهوری اسلامی می نویسیم و با سنگر دیگری که فتح کرده ایم نبردمان را با رژیم اسلامی در موقعیت مساعد تری به پیش می بریم. مردم باید بدانند علیرغم همه وحشی گری های حکومت اسلامی و جانپانی چون صادق محصلی این رژیم در خیابان و رود رو با مردم شکست خورد و عقب نشست. ما باید با همین صراحت و سادگی پیروزی خود را ببینیم و به دشمن بگوئیم همه طرح های بعدی تان را نیز به اتکا

تکمیل این طرح ضد انسانی و وقتی مسجل شد نمی توانند مردم را مرعوب کنند، مانور "بزرگ" ناجا را راه اننا ختند که قرار بود راه مقابله با شورش را تمرین کنند. بی شک برای آقای محصلی و احمدی نژاد و بقیه همکاران و همکیشان آدم کش اش لحظات بسیار سختی بود که جمعا جام زهر سر کشند و بگویند مردم ما را شکست داده و عقب رانند. البته باز هم طبق معمول و به روش آخوندی اعلام کردند: "بسیاری از نحوه برخورد با زنان و آنچه تحت لوای گشت ارشاد انجام می پذیرد گلایه دارند". ایشان خیلی ساده نفرت مردم از نظامشان را به گلایه مردم تبدیل کردند تا بتوانند سرشان را نیمه افراشته نگه دارند و بگویند راه های دیگری برای ادامه طرح ارتقای امنیت اجتماعی در نظر خواهند گرفت.

مراحل نخستین طرح بیشتر بر پوشش زنان تمرکز داشت و در مراحل بعدی ابتدا جمع آوری معتادان و سپس جمع آوری اراذل و اوباش، (کذا) بازرسی از کارگاهها و فروشگاههای لباس و آرایشگاههای مردانه، عکاسی ها و.. نیز در دستور کار نیروی انتظامی قرار گرفت. سه سال پیش اوباش اسلامی وقتی روش های دیگر سرکوبشان ناکار شد و جواب نداد کارت طرح ارتقای امنیت اجتماعی شان را رو کردند. قرار بود با این طرح مردم را بکوبند و منکوب کنند تا در پس این منکوب کردن، سیاست جراحی اقتصادی شان را پیاده کنند. در قدم اول به جان زنان و جوانان افتادند و این وحشی گری ویژه اسلامی را در مقابل چشم جامعه به نمایش گذاشتند تا شاید بتوانند برای دوره کوتاهی هم که شده خطر سرنگونی حکومتشان را عقب بیندازند. در

صادق محصلی، وزیر کشور دزد میلیاردر اسلامی که چند ماه پیش جانشین کردان، وزیر کشور دزد سابق شده است در جمع خبرنگاران خبر از بازنگری در طرح ارتقای امنیت اجتماعی داد. **معرفی این طرح از زبان طراحان آن:** "طرح ارتقای امنیت اجتماعی (که حدوداً ۳ سال از اجرای آن می گذرد) برنامه اجرایی نیروی انتظامی است که در راستای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان "طرح جامع عفاف" اجرا شد. پس از تصویب طرح جامع عفاف، محمود احمدی نژاد (که بعنوان رییس جمهور، رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز بشمار می رود) طرح جامع عفاف را به نیروی انتظامی ابلاغ کرد.

کافی است به مبارزات کارگران، زنان و جوانان نگاهی بیندازید تا دریابید که شرایط دستپاچی به خواسته های پایه ای تا چه حد فراهم است. اینبار معلمان چپ و برابری طلب با شرکت گسترده در اعتصاب و تعمیق و پیگیری خواسته های رادیکال بدنه اجتماعی معلمان میتوانند عاملی تعیین کننده در دستیابی آموزگاران و پرسنل آموزشی از رسمی تا حق التدریسی، در رسیدن به خواسته های شان باشند. این فعالین باید با طرح خواست لغو حکم اعدام فرزند کمانگر و سایر احکام معلمان و آزادی بی قید و شرط آنان، تبدیل به سخنگوی صادق و پیگیر جنبش معلمان گردند. همچنانکه در دور قبل با شعار معیشت منزلت حق مسلم ماست، خواسته انسانی معلمان را فریاد زدند، اینبار نیز با طرح خواسته های فوق و طرح درخواستهای بنیادی در جهت افزایش مشخص دستمزدها متناسب با سطح زندگی، همچنین تغییرات اساسی در محتوا و فضای آموزشی تبدیل به نماینده سازش ناپذیر معلمان شوند. اینبار نیروی چپ و سوسیالیست معلمان با تکیه بر حزب کمونیست کارگری، سیاستها و امکانات رسانه ای گسترده آن، میتوانند مبارزه معلمان را تا دستیابی به خواسته های کوتاه و درازمدت اش هدایت و رهبری کنند. \*

گرم نخواهد شد؟ در این صورت کانون چه سیاستی در پیش میگیرد همچنان صبر و بردباری عالمانه؟ فرزندان و خانواده معلمان تا کی باید متحمل سختی و ممرات باشند؟ معلمی که در پایان ماه، چیزی جز فقر و شرمندگی در حساب بانکی خود ندارد، چرا باید به این روشهای اعتراض محافظه کارانه دلخوش کند و به آن بپیوندد؟ دوستانه به کانون صنفی یادآور میشوم، در صورتی که معلمان اینبار هم صادقانه به فراخوان پاسخ دهند، اما باز هم شما با حسابگرهای سیاسی پیشا انتخاباتی و دفع الوقت کردن، اعتراضات و نیروی سراسری معلمان را سردرگم کنید، در میان بدنه اجتماعی معلمان همین نیروی فعلی خود را نیز از دست خواهید داد. جدا امیدوارم این دوستان از تجارب گذشته خود در این زمینه پند گرفته باشند. نیاز به اعتراض به وضعیت موجود بر هیچ مزدبگیری در ایران پوشیده نیست. معلمان در این میان جای خود را دارند. نیروی اجتماعی معلمان همچنانکه تا به حال بارها نشان داده اند تاثیر مهمی در تغییرات جامعه دارد. تا جایی که به بدنه اجتماعی معلمان و معلمان چپ و برابری طلب مربوط میشود، اکنون شرایط مناسبی برای اعتراض به وضعیت موجود فراهم است.

## معیشت، منزلت، حق مسلم ماست

### پیرامون فراخوان کانون صنفی معلمان به اعتصاب

نشد. آنچه که امروز نیاز ضروری معلمان و همه مزدبگیران است تغییر فوری در سطح معیشت، امنیت شغلی و اجتماعی و تامین آزادیهای فردی و اجتماعی آنان است. در بیانیه پس از ارائه دلایل مبتنی بر قانون اساسی و فتاوی فقهی، گفته شده است اگر شخص احمدی نژاد یا معاون اول وی تا تاریخ ۳۰ بهمن از صدا و سیما تعهد به اجرای این قانون را بپذیرند، کانون هم فراخوان را لغو خواهد کرد. در اینجا جا دارد که از کار بدست کانون پرسیده شود اگر به فرض محال چنین امری صورت پذیرفت، چه تضمینی وجود دارد که مانند دفعات قبل این وعده و وعیدها، وعده سرخرمن نباشد، و کانون تا چه هنگامی به پذیرش این دفع الوقت کردن و سردواندن معلمان از سوی نمایندگان حکومت اسلامی ادامه خواهد داد؟ آیا تجربه سال ۸۵ که با همین روش محافظه کارانه حرکت سراسری و پرتوان معلمان به بیراهه رفت و ایتر گردید و با ناامیدی معلمان از کانون، حکومت موجی از سرکوب و تبعید و احکام زندان و اعدام را صادر نمود، کافی نیست تا نشان دهد از این روش منسوخ شده اعتراض در ایران آبی

همه از آن اطلاع داریم، هیچ تناسبی با سطح عمومی آگاهی و علمی در سطح جهان و جامعه ایران ندارد. به همه اینها باید سرکوب مستمر فعالین اجتماعی معلمان را که با شدت ادامه دارد اضافه کرد. در چنین شرایطی و تحت فشار بدنه اجتماعی معلمان فراخوان به اعتصاب میتواند شروع مثبتی در کارنامه کانونها باشد. اما کانون صنفی همچنان در بیانیه فراخوان بر همان خواسته مندرس و پزیزمرده در نزد معلمان، پافشاری میکنند. نظام هماهنگ دستمزدها که مدتها پیش از سوی مجلس قبلی تصویب شده بود، بنا به گفته طراحان آن در همان دوره هم اجرایی نبود. کسی هم آزا جدی نگرفت. امروز و پس از گذشت مدتها از ارائه چنین طرحی، این طرح به هیچ روی پاسخگویی شرایط زندگی و معیشت معلمان نیست، اجرای چنین طرحهایی حتی اگر عملی باشد نیاز به يك ساختار هماهنگ و منسجم اقتصادی دارد، که این شرایط هیچگاه در حکومت اسلامی فراهم نخواهد شد. همچنانکه بارها گفته ایم چنین طرح و نقشه هائی فقط برای سردواندن معلمان و مزد بگیران در پیچ و خم دالانهای بوروکراسی دولتی است و تازه پس از سالها آبی بشود آبی

**مر ترضی فاتح** در تاریخ ۱۳ بهمن ۸۷ کانون صنفی معلمان در بیانیه ای معلمان را به اعتصاب در تاریخ چهارم و پنجم اسفند ماه فراخوانده است. این فراخوان در اعتراض به عدم اجرای نظام هماهنگ مصوب مجلس اسلامی است که ظاهراً وعده داده شده بود تا ۱۷ آذر امسال اجرا شود. با توجه به اینکه نفس فراخوان به اعتراض و اعتصاب سراسری عملی مثبت و قابل پشتیبانی است در این باره باید نکاتی را به کانون صنفی و همه معلمان یاد آوری کرد. شرایط زیستی و اجتماعی و سیاسی در جامعه چنان نابسامان و غیر قابل تحمل گردیده که هر انسان شریف و تحت فشاری ناچار از اعتراض و مبارزه با این وضعیت غیر انسانی است. در مورد مشخص معلمان همانطور که همه میدانیم بخش زیادی از آنان ماههاست که دستمزدهای اندک خویش را هم دریافت نکرده اند. در مورد سایرین هم که دستمزدهای پرداختی به آنان با توجه به حرکت پر شتاب گرانی و تورم، حتی کفاف گذران ۱۰ روز اول ماه را هم نمیدهد. وضعیت محیطها و امکانات آموزشی و محتوای آموزش نیز، که

## جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ، ماهانه ۱۴۶۲۴ دلار کانال جدید به کمک مالی شما نیاز عاجل دارد

لیست شانزدهم اسپانسورهای کانال جدید را به اطلاع میرسانیم. از همه دوستان عزیزی که طی هفته های گذشته اسپانسور شده و لیست اسامی و مبالغ کمک آنها در پائین آمده است، صمیمانه تشکر میکنیم. با کمک های شماست که ادامه کاری صدای آزیخواهی و برابری طلبی، تریبون اعتراض مردم و ابزار سازماندهی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را میتوان تضمین کرد. انداز روشنتری از تامین کل هزینه هزار دلار در ماه است و تحقق هدفهای سه ماهه اول و دوم چشم انداز روشنتری از تامین کل هزینه های کانال جدید ایجاد میکند. همه انسانهای شریف و بینندگان کانال جدید را فرامیخوانیم تا فعالانه بیاری کانال جدید برخیزند.

### شماره تلفن، آدرس تماس و شماره حساب برای کمک مالی به کانال جدید:

اگر از ایران تماس میگیرید:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
[Shahla\\_daneshfar@yahoo.com](mailto:Shahla_daneshfar@yahoo.com)  
 و یا با شماره فریده آرمان و شهلا دانشفر  
 ۰۰۱۴۶۰۳۳۰۴۸۸۸

اگر از آمریکای شمالی تماس میگیرید:

شرق: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
[fateh\\_bahrami@yahoo.com](mailto:fateh_bahrami@yahoo.com)  
 غرب: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

اگر از اروپا و سایر کشورها تماس میگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
[siabahari@yahoo.com](mailto:siabahari@yahoo.com)  
 حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

شماره حساب در برخی کشورها:

Sweden  
 Post Giro: 639 60 60-3  
 account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

England  
 Account nr. 45477981  
 sort code: 60-24-23  
 account holder: WPI  
 branch: Wood Green  
 Bank: NatWest  
 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81  
 B I C : N W B K G B 2 L

Germany  
 Rosa Mai  
 Konto. Nr.: 583657502  
 Bankleitzahl: 37010050  
 Post Bank

Canada  
 ICRC  
 Scotiabank  
 4900Dixie Rd, Mississauga  
 L4W 2R1  
 Account #: 84392 00269 13

### لیست شانزدهم: ۵ فوریه ۲۰۰۹ کمک های مالی و اسپانسورهای جدید تلویزیون کانال جدید

اسپانسورهای این هفته:

فرزان دانش ۲۰ پوند ماهانه  
 صلاح رسولپور ۲۰۰۰ کرون ماهانه  
 ت ۳۰۰۰ ۵۰ کرون

جمع اسپانسورهای این هفته ۵۸ دلار ماهانه

### کمک به تلویزیون کانال جدید:

از طریق فرزانه درخشان ۵۰۰ یورو  
 عباس ایاق ۱۰۰ دلار  
 ربین فاروق ۱۰۰ دلار  
 علی مشرف ۳۰ دلار  
 پیام (فرانسه) ۵۰ یورو  
 جمیل (فرانسه) ۱۰ یورو  
 نادر (از طریق رضا مرادی) ۱۵۰ پوند  
 لیندا از سوئد ۲۵۰ کرون  
 قبادی ۲۰۰ کرون

### از ایران:

زری ۱۰۰ پوند  
 سعید ۱۰۰ پوند  
 امید ۱۰۰۰۰۰ تومان  
 حوزه انترناسیونال ۶۰۰۰۰ تومان

جمع کمک های این هفته معادل ۲۲۱۵ دلار بعلاوه ۵۸ دلار اسپانسور

جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ: ماهانه ۱۴۶۲۴ دلار (مجموع کمکهای مالی به دوازده ماه سرشکن شده و به اسپانسورها اضافه شده است)

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com) I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
 زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

## روز جهانی زن را به روز اعتراض بین المللی علیه رژیم آپارتاید جنسی در ایران تبدیل کنیم!

برگزاری میز اطلاع رسانی و نمایشگاه عکس در مراسم ۸ مارس که با شرکت گروههای مختلف دفاع از حقوق زنان برگزار می شود.

### انگلستان

روز ۷ مارس میتینگ، تظاهرات و جلسه عمومی علیه قوانین شریعه اسلامی در بریتانیا  
میتینگ از ۳/۳۰ تا ۴/۳۰ بعد از ظهر در میدان ترافالگار لندن.  
راهپیمائی از ساعت ۴/۳۰ تا ۵/۳۰ بعد از ظهر از میدان ترافالگار تا کانوی هال  
جلسه عمومی از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر با عنوان "قانون شریعه، آپارتاید جنسی و حقوق زنان"  
مکان: 25 Red Lion Square WC1R 4RL  
مریم نمازی سازمانده و سخنگوی کمپین علیه قوانین شریعه اسلامی در بریتانیا است.

### غرب کانادا

جشن و مراسم ۸ مارس  
زمان: شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۰۹  
ساعت ۷ عصر تا ۱۲ شب  
مکان: تروت لیک کامیونیتی سنتر (شماره ۳۳۵۰ خیابان ویکتوریا درونکور)  
این برنامه شامل سخنرانی، بازگویی خاطرات، نمایش فیلم، موزیک و رقص خواهد بود.  
ورودی: ۱۰ دلار شاغلین، ۵ دلار غیر شاغلین  
تلفن تماس: (۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶)  
روز ۸ مارس برپایی چادر و میز اطلاع رسانی در باره وضعیت زنان ایران به همراه نمایشگاه عکس در مقابل آرت گالری در مرکز شهر ونکوور.  
علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زنان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران فوریه ۲۰۰۹

تلفن تماس: +۴۶۷۰۳۶۱۰۲۷۹  
روز ۶ مارس ساعت ۷ بعد از ظهر - مراسم و جشن ۸ مارس  
مکان: Wieselgrensplatsen طبقه بالایی فروشگاه Coop  
این مراسم شامل سخنرانی مینا احدی، موزیک زنده، اسلاید شو و رقص و پایکوبی خواهد بود.  
تلفن تماس: +۴۶۷۰۷۳۸۷۵۴۸۰  
مالمو

روز ۸ مارس از ساعت ۳ بعد از ظهر - شرکت در مراسم بزرگ روز جهانی زن به همراه گروههای مختلف مدافع حقوق زنان - در این مراسم از جمله فریده آرمان درباره وضعیت زنان ایران سخنرانی خواهد داشت. ترانه خوانی سینا شهبازی، نمایش اسلاید درباره وضعیت زنان در ایران و سایر کشور های اسلام زده و برگزاری میز اطلاع رسانی درباره وضعیت زنان ایران از جمله برنامه های این مراسم خواهد بود.

مکان: Kirsebergs fritid och kulturhus  
روز ۱۴ مارس از ساعت ۶ بعد از ظهر در ادامه گرامیداشت روز جهانی زن مراسمی شامل سخنرانی فریده آرمان، موزیک زنده و جشن و پایکوبی برگزار خواهد شد.  
مکان: Jannet Kaffe, Nobelvägen 24  
تلفن تماس: +۴۶۷۰۳۶۳۸۰۸۸۰

### هلند

برگزاری میز اطلاع رسانی، نمایشگاه عکس و برگزاری مراسم ۸ مارس با شرکت گروههای مختلف دفاع از حقوق زنان و سخنرانی غریبه حسینی.  
بوروس



شعرخوانی، رقص و تئاتر و موزیک خواهد بود.  
هنجین برپایی میز اطلاع رسانی در مرکز شهر یک هفته قبل از ۸ مارس. این برنامه با دایر کردن نمایشگاه عکس و انجام سخنرانی برای مردم رهگذر توام خواهد بود.  
تلفن تماس: +۴۶۷۰۳۶۱۰۲۷۹

### گوتنبرگ

روز ۸ مارس: میتینگ اعتراضی و شرکت در راهپیمایی بزرگ ۸ مارس  
مکان: södermalmstorg واقع در T-Slussen  
میتینگ از ساعت ۲ الی ۴ بعد از ظهر با نمایشگاه عکس و اسلاید شواز مبارزات زنان در ایران. راهپیمایی ۸ مارس ساعت ۴ بعد از ظهر.  
روز ۷ مارس ساعت ۷ بعد از ظهر - مراسم و جشن ۸ مارس  
مکان: Årsta Folkets Hus  
این مراسم شامل: سخنرانی، نمایش اسلاید در مورد حقوق زنان،

که ما همه شما را به شرکت وسیع در آنها فرا می خوانیم. لیست این برنامه ها و برخی همایش های دیگر در کشورهای مختلف بدین قرار است و در اطلاعیه های بعدی آنرا تکمیل تر خواهیم کرد.

### سوئد استکهلم

روز ۸ مارس: میتینگ اعتراضی و شرکت در راهپیمایی ۸ مارس  
مکان: södermalmstorg واقع در T-Slussen  
میتینگ از ساعت ۲ الی ۴ بعد از ظهر با نمایشگاه عکس و اسلاید شواز مبارزات زنان در ایران. راهپیمایی ۸ مارس ساعت ۴ بعد از ظهر.  
روز ۷ مارس ساعت ۷ بعد از ظهر - مراسم و جشن ۸ مارس  
مکان: Årsta Folkets Hus  
این مراسم شامل: سخنرانی، نمایش اسلاید در مورد حقوق زنان،

۸ مارس روز جهانی زن در راه است. این روز، روز اعتراض بین المللی نسبت به وجود هر گونه ستم و تبعیض علیه زنان است. ستم بر زنان در ایران بیداد می کند و جمهوری اسلامی برپادارنده یک آپارتاید جنسی تمام عیار علیه زنان است. بیائید به همراه همه زنان و مردان آزادخواه ایران روز ۸ مارس ۲۰۰۹ را به روز اعتراض گسترده علیه رژیم ضد زن جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. بیائید تا با طرح خواست طرد رژیم آپارتاید جنسی جمهوری از مجامع بین المللی، با شکوه ترین همبستگی بین المللی با مبارزات برابری طلبانه زنان ایران را به نمایش بگذاریم.  
به این منظور تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زنان، به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن برنامه هایی را در کشورهای مختلف تدارک دیده است

## ۲ خبر از اعتراضات کارگری

### کارگران کرم کیمیکال ساری و کارگران نساجی مازنداران اعتراض کردند

کنون بارها به سیاست ضد انسانی عدم پرداخت دستمزدها از طرف کارفرما اعتراض کرده اند. در ماههای اخیر به دلیل بحرانی شدن این واحد تولیدی و اعتراض کارگران، شورای تامین استان مازندران کارفرما را موظف به

پرداخت حقوق های معوقه کرده بود اما کماکان طلب های کارگران پرداخت نشد. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و سایر مطالباتشان می باشند.

تجمع بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه نساجی مازنداران

### کارگران کرم کیمیکال ساری دست از کار کشیدند

کارگران کرم کیمیکال ساری روز چهارشنبه ۱۶ بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه از حقوق، پاداش، عیدی و بن کارگری دست از کار کشیدند. کارگران این واحد تا

بیش از ۲۰۰ کارگر نساجی مازنداران روز ۱۳ بهمن ماه در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران و عدم پرداخت حقوقهای معوقه شان دست به تجمع اعتراضی زدند و به طرف اداره کار استان راهپیمائی کردند. کارگران خواهان توقف اخراج ها و پرداخت دستمزدهایشان هستند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران فوریه ۲۰۰۹، ۱۷ بهمن ۱۳۸۷

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران کرم کیمیکال ساری و کارگران نساجی

## صدای مردم در کانال جدید

### حکومت ضد زن باید سرنگون شود برنامه ای از شهلا دانشفر

خانمی! به همین آسونی جوابمو دادند!!  
یعنی زن هیچ دیگه!  
زنی از ایران

سلام خانم دانشفر. واقعا حقوق خانمها پایمال شده یعنی واقعا عین يك دستمال کاغذی بی ارزش - شاید هم کمتر از اون - با خانمها رفتار میکنند. شب اول که میایند خواستگاری ما زنها، اول دم از خونه و ماشین و امکانات میزنند ولی بعد از اینکه بله گرفتند و عقد کردند با شروع مشکلات میرن تمام اموالشون رو بنام خواهر و مادر و دوست و آشنا میکنند و بعد زن را تحت فشار و کتک قرار میدن و تو مخصصه میذارن که زن مجبور میشه بخاطر حقوقش به قانون مراجعه کنه و قانون هم بعد از دو ماه سه ماه شش ماه سردانن، تازه میاد "حقوق زن" رو مطرح میکنه و مهریه و نفقه های گذشته و معوقه و جاریه و هرچی که باشه بمیان میاد، و بعد هم تازه میبینند که این آقا مالی بنام خودش نداره که مهریه بده! و بعد دو ماهی يك سکه، سه ماهی يك سکه مینویسند و اونى که وضعش خوب باشه ماهی يك سکه قرار میبندند، و برای دادن همون هم اونقدر زن رو تو فشار قرار میدن که تا همین ماهی دو ماهی يك سکه رو هم بیخشه تا طلاقش بدن. جدیداً هم مهریه ها رو کردن "عندالاستطاعه" یعنی اگر مرد توانش رو داشت و اگر مالی بنام خود داشت و نه عندالمطالبه! واقعا زنان ایران از يك دستمال کاغذی هم کم ارزشتر شدن!

زنی از ایران

خانم دانشفر، در حکومت ضد زن وقتی شوهری زشو رو کتک میزنه، اگر زن بره شکایت بکنه، میگن برو بشین تو خونه! همون خونه ای که مثل جهنم میمونه! خداحافظ.

زنی از ایران

الو سلام. من يك دختر نه ساله دارم و خودم هم بخاطر وضعی که مملکت داره سر کار نمیتونم بیرون برم! چون وقتی میرم بیرون هزارتا نگاه دنبالمونه! اگر بخوایم کت بیوشیم یکجور ناراحتیم! اگر بخوایم چادر بیپوشیم از گرما ناراحتیم! بچه من هنوز نماز بلد نیست برایش جشن تکلیف گرفتند! کارشون شده فقط پول گرفتن و الکی آخوندی و الکی مسلمونی کردن! ولی دیگه به بچه یاد نمیدن که تو زندگی دروغ نگه، تو زندگی کار بد نکنه، فقط یاد میدن که بظاهرا نماز بخونه! فقط یاد میدن که بظاهرا مقتعه بذاره! قلب ما زنان ایران رو روز بروز از کینه پر کردند.

زنی از ایران

سلام روزتون بخیر. من الان پای برنامه شما نشستم. واقعا مشکل ما زنان ایرانی خود حجاب نیست چون شما بیشتر روی حجاب تاکید میکنید! مشکل ما حقوق طبیعی است مانند حق طلاق و حق نفقه و حق کار و حقوق مساوی توی کار، یعنی الان خانمها وقتی کار میکنند درواقع کار نیست که به جور سر کاریه، یعنی توی کارشون واقعا حقوقشون خیلی پایینه و در موقعیت خیلی پایینی قرار دارند! و خیلی جاها دارند سوء استفاده ازشون میکنند! و موقعیت کاری برابر با آقایون ندارند! بنابراین وقتی موقعیت برابر با آقایون ندارند استقلال اقتصادی هم ندارند، وقتی هم استقلال اقتصادی ندارند همیشه باید به پدرشون و به همسرشون وابسته باشند و هرچی که اونا میگن مجبورند قبول کنند! بعدش هم نه حق طلاق دارند و نه حق حضانت فرزند! و اونوقت فردا همه جوری تو مشکلند که نه راه پس دارند و نه راه پیش!

زنی از ایران

سلام. من زنی هیجده ساله هستم از گلستان زنگ میزنم، من فرزند شش ماهه دارم و عاشق مردی شدم که خودش

بیکاری و تبعیض و غیره فرا گرفته! تنها راهش يك کمونیست است که بتونه جلوی سرمایه داری بایسته و انسانیت و برابری و آسایش و صلح رو برپا کنه. زنده باد حزب کمونیست کارگری

مردی از ایران

الو سلام و خسته نباشید. میخواستم بگم تو ایران زنی که از همسرش جدا میشه بخاطر وضعیت بی پناهی که برایش پیش میاد همه میخوان ازش سو استفاده کنند و از وجودش استفاده کنند مخصوصا همین پلیس های ایران و همین ماشینهایی که میچرخند! هر زنی که بخواد شغلی داشته باشه و کار کنه از اماکن میباید و طوری رفتار میکنند که تمام سوء استفاده را از اون زن ببرند! و از همین زاویه با این تهدید که کارشون رو از اونها میگیرند میترسونندشون! من الان خودم از شوهرم جدا شده ام و بخاطر کارهایی که تو اداره ها و با مسئولین مملکت سر و کار داریم بخاطر همین باید هرچی بگن اطاعت کنیم! ما جرات نداریم حرفی بزنیم و حتی جرات نداریم بهشون بفهمونیم که کارشون اشتباهه! بخاطر همین باید سکوت بکنیم و خفه خون بگیریم! خیلی ممنون و متشکر هستم.

زنی از ایران

سلام بشما. من بعنوان يك ایرانی واقعا متأسف هستم که شرایطی برای زنان بار آورده اند که حق هیچ چیزی رو در کشور ندارند! به اونها تجاوز میشه و حقشون کاملا پایمال میشه! و نمیدونم واقعا متأسف هستم که چرا مردم ایران تا این حد خواب هستند؟! و چرا بخودشون نمایاند؟! هزینه ها و تمام پول کشور ما و تمام ذخایر و منابع طبیعی کشور ما داره بغارت میره و خرج تروریستهای اسلامی جهان میشه و من واقعا متأسفم و واقعا متأسف هستم که وضعیت کشور ما اینقدر خراب شده! امیدوارم این وضع را تغییر بدیم و برای تمام شما زنان و خواهران و مادران عزیز و گرامی ایرانی آرزوی موفقیت میکنم و امیدوارم همه ما روزی بتونیم برگردیم به کشور مقدس ایران و روزهای خوب گذشته رو بتونیم ببینیم و آرزومند این هستم.

مردی از ایران

سلام شهلا جون، من میخواهم در

جواب این آقایی که حکومت اسلامی میخواستن و گفتند که قبلا در زمان قدیم خانه های عفاف بوده بگم که همانطوری که يك زن اجازه داره با يك مرد ازدواج کنه يك مرد هم اجازه داره فقط با يك زن ازدواج کنه. اگر قانون انسانیه و اگر ایشون دم از خدا میزنند اونوقت هیچکس اجازه تبعیض به دیگری نداره! ببینید اصلا بعد از طلاق هیچ زنی اجازه نداره با دیگری ازدواج کنه و بعدش هم سمتش میدن به خانه های عفاف! خانه عفاف یعنی توهین به زن! و یعنی زن تنها برای مصارف جنسی در اختیار مرده و ارزشی نداره! ما زنان اجازه چنین صحبتیهایی را به این تیب آقایون نمیدیم. حتی برای نوجوانانی که حالا در سن هفده سال هستند این احساس در این مملکت هست که داره بهشون توهین میشه چه برسد به خانمهایی که پنجاه یا شصت ساله هستند. ما زنان اجازه اینجور صحبت کردن را به این آقایون نمیدیم. چرا باید برای آقایون خانه عفاف باشه؟! آخه آقایون که در این جامعه مثل ما زنان مشکلی ندارند، ما هر اداره ای که میریم فوراً از من میخوان که استفاده جنسی بکنند! من دارم پاپیای پدرم در خونه کار میکنم و اونوقت پدرم هم بیرون داره کار میکنه ولی او حقوق میگیره و من نمیگیرم! حالا چرا باید حقوق من نصف باشه و ديه من نصف ديه مرد باشه! چرا من نمیتونم از لحاظ حقوقی شبیه آقایون باشم! چونکه همه میخوان از من سوء استفاده کنند! چرا باید اینطور باشه؟! منم انسانم اونها هم انسانند پس چرا بطور انسانی به موضوع نگاه نمیکنند؟! ما هم انسانیم و اجازه ندارند اینجور حرف بزنند!

هرکسی میتونه دین زرتشت و مسیح و اسلام رو قبول داشته باشه ولی قانون باید انسانی باشه چونکه ممکن است که این دین زیر سوال بره ولی هیچوقت انسانیت زیر سوال نمیره و حق زیر سوال نمیره. آقایی که ازدواج میکنه چشمش باز کنه با همسرش انسانی و برابر رفتار کنه. منی که زن هستم چه تقصیری دارم که اینها بمن اینجور نگاه بکنند! همه خانمهایی که صدای مرا میشنوند اگر کمی محکم بایستند در قبال اینجور آقایون اونوقت هیچ آقایی اجازه بخود

## از صفحه ۱۲ صدای مردم در کانال جدید ♦♦♦

نمی‌تونه بده که اینجور نگاه کنه. ما در جلوشون میایستیم و اینها حتی هرچقدر هم ما رو کوچک حساب بکنند خودمون می‌دونیم به قدری بزرگ هستیم که بتونیم در مقابلشون بایستیم و نذاریم اون زندگی و دیواری که خودمون درست کردیم خراب کنند. زنده باد برابری و زنده باد انسانیت.  
زنی از ایران

سلام خانم دانشفر. اول می‌خواستم از طرف خودم و همه زنان ایران که صداشون بگوش شما میرسه از شما و کانال تون تشکر کنم که حرف دل تمام ما زنان ایران را می‌زنید. بعد هم در مورد دانشگاه به مطلبی گفتید اونهم "بومی سازی جنسیتی" اما به چیز دیگه رو یادتون رفت که بگید که در همین رابطه در داخل خود دانشگاه تفکیک جنسیتی کلاسها رو هم شروع کرده اند و ما الان یک ترم هست که کلاسهای عمومی‌مون رو پسر و دختر جداگانه میریم! احساس میکنم که دارن به شان زن توهم میکنند. نکته دیگه اینکه در خوابگاههای دانشگاهها مسئولین دخترها دیوارها رو سه چهار متر بلندتر میکنند تا بهیچوجه دخترهای دانشجو با محیط مسکونیشون هم ارتباط نداشته باشند! این دو تا نکته یادتون رفت که اشاره کنید. خوشحال شدم صداتون شنیدم و خسته نباشید و شب بخیر.  
دختر دانشجویی از ایران

سلام خانم دانشفر. من میگم چرا اینهایی که با رعایت نکردن حجاب و غیره روحشون جریحه دار میشه ولی وقتی شش ماه حقوق چهارصد هزار معلم حق والتدریس رو نمیدن روحشون جریحه دار نمیشه! چرا فقر و اعتیاد و غیره که در جامعه داره میرتکه قلب این مومنین رو جریحه دار نمیکنه! از طرف دیگه هم بگم که یکی از مهمترین سیستم بانکی دنیا را ایران داره، خب حالا چطورره که گم و گور شدن میلیاردها بودجه مملکت روح اینها رو جریحه دار نمیکنه! اینها یکمشت توضیح المسائل نوشتن نمی‌دونم حلیه المتقین مینویسند و زنان این جامعه را سر اینجور مزخرفات به بند کشده اند. ما مردان جامعه باید پایپای زنان بلند شویم و به همه این قوانین ضد

انسانی اعتراض بکنیم. خیلی متشکر از این وقتی که دادید.  
مردی از ایران

سلام خانم دانشفر. این خانم که گفت در ایران زنان آزادند باید بگم این یک جوکه! در مورد حجاب خواستم مطلبی را تصحیح بکنم که حجاب با این فکر تائید میشه که «زنان مسبب گناهند و وارث گناهند. ولی الان دیگه این نگاه تحقیر آمیز را زنان نمی‌پذیرند. امروز دیگر زنان صدای نابرابری را در تمام عرصه ها فریاد میکنند آنها در تمامی زمینه های حقوقی و اقتصادی و انسانی و غیره، ولی یک عده ای می‌ایند و همین قوانین ارتجاعی اسلام رو می‌خواهند با اسلام نوین و اسلام حقیقی رنگ بزنند و عوض بکنند! جامعه ای که زنانش با گوشت و پوستشان این حکومت ضد زن را لمس کرده اند و قوانینی رو که بر اساس مذهب کار میکنه در این سی سال تجربه کرده اند حالا اینها می‌خواهند با یک تخفیفی این رنگ و لعاب رو عوض بکنند و مردم را توی چاه دیگری بندازند! من از اینجا به اینجا می‌خواوم بگم که فریاد اعتراض ما زنان جامعه کل این چهارچوب ارتجاعی را زیر و رو میکنه و کل این قوانین اسلامی رو زیر و رو میکنه و اینها مطمئن باشند که با این رنگ و لعاب زندها به اسلام ارتجاعی و اسلام حقیقی کردنها کاری پیش نمیرند. ممنونم.  
زنی از ایران

سلام خانم دانشفر. تا زمانی که این حکومت است وضع زنان و کلا وضع مردم بویژه وضع زنان از اینهم بدتر خواهد شد و هیچ خواسته انسانی تحقق نخواهد یافت. ما باید بتونیم این حکومت رو سرنگونش کنیم و معلومه که یک شبه که نمیشه! بعضیها میان میگن چکار کنیم؟ یک شبه که نمیشه، باید شش ماه یکسال دو سال طول بکشه و مردم دور هم جمع بشن و این تعدادی که الان جمع شده حداقل ده برابر بشه، این کاری است که شدنی و خیلی راحت و ما امروز تلویزیون داریم و اگر یادتون باشه زمان شاه که می‌خواستند حکومت را سرنگون کنند اول رفتند پادگانها را گرفتن و جاهای دیگر رو گرفتند و تازه آخرسر تلویزیون را

گرفتند و اعلام پایان سلطنت کردند، در صورتی که ما الان تلویزیون را گرفتیم و الان با این تلویزیونی که در دست مردم افتاده در حقیقت پنجاه درصد کار راحت شده و یعنی پنجاه درصد حکومت سرنگون شده است! و جنبشهای دیگر هم بدر نمی‌خورند و فقط همین حزب کمونیست کارگری هست. مثلاً جنبش ما هستیم می‌خواود چکار بکنه؟ می‌خواود کوروش دو هزار و پانصد ساله رو برگردونه به حکومت! خود کوروش بهتر از محمد نیست و ما دیگه نمی‌خواهیم بعقب برگردیم. هزار و چهار صد سال برگشتیم به عقب بسه دیگه نمی‌خواهیم دوهزار و پانصد سال برگردیم. هیچ راه دیگری نداره و هر آخوندیسیم دیگری هم که می‌خواود بیاد می‌خواود حکومت شاه و محمد و کوروش و کسان دیگر رو بیاره! به عقیده من تنها راهش اینه که ما متشکل بشیم و به این حزب و به این کانال جدید کمک مالی بکنیم و کانال جدید را نگهداریم و عضو حزب کمونیست کارگری بشیم و بتونیم تظاهراتهای میلیونی بوجود بیاریم و این حکومت را سرنگون کنیم و این تنها راهه و دیگر هیچ راه دیگری نمونده!

مردی از ایران

الو سلام. می‌خواستم جواب اون مرد را بدم. این زیادی زر میزنه! همه زنان ایران بدبخت عالمنند! آشغالهایی مثل اینها آمدند و ایران را خراب کردند هیچکسی هم جلوشونو نمیگیره! زنی که از این چکمه بلندها میپوشه و شلوارشو میذاره توی چکمه هاش، توی خیابون میگرددش و میرندش پاسگاه و زندان که چرا شما اینجوری میگردی! نمی‌دونم موهاشون بیرون باشه همینطور! الان توی هر شهری که شما برین دوازده یا سیزده هزار نفر فقط زندانی زن داره! به اینها یا میگن بدحجابند و یا میگن دزدند و غیره! اگر حتی هر کاره و هر بدکاره ای هم که بودند رژیم با اینها کرده! اینهایی که میان از رژیم حمایت میکنند خودشون دزدند، پول خوبی میگیرند، لباسهاشونهم خوبه، خورد و خوراکشون هم خوبه! دیگه هیچ موقع هم فکر اونهایی که گشنه اند رو نمیکنند!

زنی از ایران

سلام بشما خسته نباشید. اگه اینها

راست میگن برن حقوق کارگران رو بدن و حقوق چهارصد هزار معلم رو بدن! زنان اینها دنبال زن خامنه ای اند و خودشون هم دنبال خامنه ای اند و پولهای کلانی میدزدند و بعد هم می‌ایند اینجا میگن اسلام ما فلان شد و بهمان شد! کدوم اسلام؟ همه این بدبختیها از اسلام میاد. همان سال اولی که خمینی وارد ایران شد دیدیم که چقدر از مردم اعدام کرد! و توی همین اسلام چقدر مردم را سنگسار میکنند! اگر اسلام نبود که اینهمه بدبختیها نبود؟! تو که اینهمه میگی اسلام ما اسلام ما بیا بگو پول ما! ماشین ما! تا همه را در اختیارت بذارند و اونوقت بری جنایت بکنی! مرگ بر حکومت ضد زن. درود بر حزب کمونیست کارگری. انشالله با کمک همین زنها ما این حکومت را زیر میکشیم. من از این زنها خواهش میکنم که بیشتر از این ننشینند تا بالای بیشتری بیاد سرشون، بلکه همه تون بلند شین، پسر و دختر زن و مرد همه بلند شین، مگه سال پنجاه و هفت بلند نشدیم حتی پیر مردان و پیر زنان اتحاد نکردیم؟ همه تون بلند شین تا این حکومت ننگین رو از این مملکت بیرون کنیم تا آسایش و آرامش داشته باشیم. خدا حافظ شما.

مادر هفتاد ساله

سلام علیکم. ببخشید خانمی که فرموده بودن خانمها آزادند و به شوهراشون خیانت میکنند! این خانمها کسانی هستند که بیسواد هستند و همان ظلمی که به زن وارد شده زیر سلطه فشارهای اجتماعی بوده، و به حقوقشون آگاه نیستند و حقوقشان رو رعایت نمیکنند! بنابراین یا چنین حرکتی خودشون رو خالی میکنند وگرنه اگر آگاه باشند و از حقوق خودشون برخوردار باشند هرگز اینکار را نمیکنند و اینهم باز از ظلمی است که در جمهوری اسلامی به زن وارد میشه.

زنی از ایران

سلام علیکم. حرف در مورد زن زیاده ولی توصیه من به رسانه ها از جمله رسانه خودتون اینه که تا میتونید فیلمهای مستند و عکس نشون بدید از واقعیات ایران. امروز که بحث شما در مورد زنان هست بقول خودتون باندازه کافی در طول این سی سال جنایات جمهوری اسلامی نشون داده

که چی بر سر زنان ایران رفته. من بعنوان يك زن که با جمهوری اسلامی مبارزه کرده ام و افتخار ضد انقلاب بودن رو داشتم می‌خواوم واقعا وقتی که عکسی را میبینم و جسد کسی بنام لقمان رو میبینم که توی بیابونها در کردستان افتاده با لباس قرمز و شلوار قرمز و یکعده هم دورش جمع شدند، اونوقت سوال پیش میاد که آیا اون فرهنگ عقب مونده جمهوری اسلامی که کاملاً مذهبی، آیا شامل حال ما زنان نمیشه؟ بله برای تن فروشی برای بیکاری و دزدی و هیزی و تجاوز يك لیست بالا بلندی علیه زنان وجود داره که در همین قوانین کثیف و ارتجاعی جمهوری اسلامی اتفاق میافته! من متاسفم بگم که اخیراً نگاه کردم به تصویری که چهار نفر به خانمی که حجاب اسلامی داشت تجاوز میکردند و يك نفرشون گویا برای باج گیری فیلم میگرفت، و این خانم هم مرتب داد میزد و یکی از آقایون هم داشت میخندید! اگر این رسانه در دست من بود يك برنامه می‌داشتم و این صحنه ها رو نشون میدادم و جای هیچ حجب و حیایی هم وجود نداره، و کاملاً تجزیه تحلیل میکردم و توضیح میدادم برای مردم که بفهمند که در اون لحظه چی بر سر اون زن رفته! و ببینند که تک تک اون مردان و جوانانی هم که زیر سی سال بودند توی ذهنشون چی میگذشته! واقعا این از دستاوردهای جمهوری اسلامی و نظام کثیفش هست. من به اون آقا حق میدم که با زتش میاد بخیابون و در مترو تهران در خیابون نمیتونن ده قدم راه برن، میدونن چرا؟ چونکه از اون آخوند کثیف مذهبی متظاهر گرفته تا اون جوان عقب مونده فکری شستشوی مغزی شده، همگی دست به اون زن میزنند و متلک میگن! من سالهاست خودم مستقل زندگی کردم در کشورهای اروپایی تابحال یکبار شاهد این نبودم که یک نفر چه خارجی و چه اروپایی بمن متلک بگه یا دست بزنه، که از لحاظ قانونی هم بعنوان تجاوز محسوب میشه، ولی در ایران همه باید از خوشون بپرسند که چرا این اتفاقات میافته؟ و من متاسفم به اون خانم که میاد میگه در ایران به زن ظلمی نمیشه! و متاسفم به اون وکیل که در صدای آمریکا مرتب دعوت میشه و میاد و مردم را تشویق به شرکت در انتخابات

## از صفحه ۱۳ صدای مردم در کانال جدید ...

میکنه! زمانی که زنان متفکر و وکیل ما در جمهوری اسلامی مردم رو اینطوری شستشوی مغزی میدن، خب اونوقت چه توقعی از يك زن عادی هست که توی آشپزخونه نشسته و از طریق جمهوری اسلامی بعنوان ماشین تولید مثل بشر شناخته میشه! بیشتر از این از اون زن انتظار نمیشه داشت. مرسی از وقتی که بمن دادید.

زنی از خارج

حجاب  
شیشه عمرجمهوری اسلامی است  
بر نامه ای از اصغر کریمی

سلام آقای کریمی. درود بر شما. همانطوری که شما گفتید واقعا شیشیه عمر جمهوری اسلامی بهمین حجابش بسته است، جدا که حجاب بند ناف جمهوری اسلامی، ما باید با کل جمهوری اسلامی مبارزه کنیم. حجاب یعنی نصف جامعه را به بند کشیدن و به اسلام کشیدن و به نابودی کشیدن! واقعا جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری که الان هست تنها جنبش و تنها حزبی است که داره اینچنین با اسلام سیاسی مبارزه میکنه و اینچنین داره برای زنان حق آزادی میده و ما باید از حزب کمونیست کارگری پشتیبانی کنیم و برای آزادی کل جامعه و برای آزادی زنان و برای ریشه کن کردن جمهوری اسلامی و برای ریشه کن کردن هر نوع استثمار و استبدادی که در جامعه امروز وجود داره مبارزه کنیم. دیگه نمیشه تحمل کرد و باید بلند شد و اگر این جمهوری اسلامی باشه اینها هم مثل طالبان وضع زنان و مردم رو بدتر خواهند کرد! مگر مردم افغانستان نبودند! و مگر آنها مبارزه نکردند! همین دو سال پیش هم دانشجویان زن در ایران شعار میدادند که نه رو سری نه تو سری روابط دوست پسری و این واقعا يك کشیده محکمی بگوش رهبران جمهوری اسلامی است! بنظرم هیچ جنبش مبارزی مثل کمونیسم کارگری در ایران نیست، شما جنبش يك میلیون امضا را نگاه کنید، هیچوقت صحبت از برداشتن حجاب نمیکنه و میگه عیب نداره حجاباتون باشه، شما مسلمون باشید، شله زرد بخورید و ما هم میاییم تو خونه شما باهم شله زرد درست میکنیم! پس

معلوم میشه که این جنبش، جنبش شله زردیه جنبش ضد اسلامی نیست! و یا جنبشهای دیگه رو نگاه کنیم که در کانال شما هم پخش میشه یعنی همین ما هستیم شهرام همایون منظومه، ما اسلام خوب رو بر میداریم و با آخوندهای خوب میخوایم باشیم و آخوندهای بد رو رد میکنیم عیب نداره! هیچکدام از این جنبشها مثل حزب کمونیست کارگری که قاطعانه داره با ریشه اسلام و استثمار و سرمایه داری مبارزه میکنه درگیر مبارزه نیست و هرکدام این جنبشها که سر کار بیایند یکجوری میخوان این حجاب و این اسلام و این بدبختی رو بطریقی نگه دارن. جنبش ما هستیم میخواد از زمان شاه هم و از هزار و چهار صد سال جمهوری اسلامی هم بره عقب تر! و حکومت دو هزار و پانصد سال پیش و کوروش هخامنشی رو از قبرش بکشه بیرون و برای ما بیاره! یعنی باید بیش از این هزار و چهارصد سال اسلام ارتجاعی عقب بریم و باید دوهزار و پانصد سال عقب بریم تا ایران رو درست کنیم! آقای کریمی بعقیده من باید کار عملی کرد، الان هشت مارس یا هفده اسفند نزدیکه و بعقیده من مردمی که برای آزادی میجنگند و میخوانند از شر حکومت اسلامی راحت بشن، مردمی که نمیخوان دیگه حکومت اسلامی باشه و نمیخوان استثمار باشه، مردمی که میخوان اسلام از مدارس جارو بشه از جامعه جارو بشه از سر زن جارو بشه و حجاب سوزان بشه، بنظر من از همین امروز باید دو نفری سه نفری باهم جمع بشند و برن توی مکانهای عمومی و توی اداره و توی مدرسه و اینور و اونور شعار نویسی کنند و از مردم بخوان که بیایند و در هشت مارس تظاهرات کنند. باید همگی بیان بیرون يك میلیون دو میلیون بیان بیرون و حجاب سوزان کنند. الان این کار شدنیه و حزب کمونیست کارگری دارای يك رسانه عمومی است که میلیونها نفر دارند گوش میکنند و این قبلا وجود نداشت و در زمان شاه وجود نداشت و هیچوقت هم وجود نداشت، و ما الان میتونیم و باید هسته های حزب کمونیست کارگری رو توسط همین مردمی که میگن ما چکار کنیم و چه جوری از شر این حکومت رها بشیم؟ الان

میتونیم این هسته های کمونیستی را بسازیم و دو نفر سه نفری بریم و شعار نویسی کنیم و روز هشت مارس بیاییم توی خیابون، میلیون نفر زن و مرد بیاییم توی خیابون و بگیم مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر حجاب اسلامی. بعقیده من این شدنیه و بعقیده من باید به این تلویزیون کمک کنیم و از نظر مالی مواظب باشیم که برنامه هاش قطع نشه و همیشه بمونه چونکه واقعا همین تلویزیون هست که میتونه جمهوری اسلامی رو شکست بده. این تلویزیون حزب کمونیست کارگری میتونه مردم رو بسیج بکنه، میتونه به مردم تشکل بده تا بطور میلیونی بیان تو خیابون. این بنظم کار عملی مشخصی هست که میشه از حالا تا هشت مارس پیش برد.

يك مرد ایرانی

الو سلام. آقای کریمی من فکر میکنم که هیچ آدم عاقلی این حکومت را تایید نکنه. این حکومت نه تنها ضد زنه بلکه اساسا ضد انسان و ضد بشره بنظر من. هرچند که این آخوندها از شعارها و ارزشهای باصطلاح بالا حرف میزنند ولی همه مردم میدونند که اینها دارند مردم رو فریب میدهند و میدونند که اینها دارند با همین شعارها سوار مردم میشوند و حقوق انسانیشان را نقض میکنند و راحت میکنند و لشکر کشی میکنند (صدا قطع شد)

يك مرد ایرانی

الو درود بر شما قربان. در مورد حجاب بالاخره ما در این جمهوری اسلامی عمری زندگی کردیم در حکومت قبلی هم بودیم و حکومتهای غربی را هم دیدیم که اصلا مسئله حجاب ربطی به این چیزها نداره و مسئله حکومت اسلامی يك حکومت چرت و پرتی هست که خودشون هم نمیدونند چی میگند! و چادر و لچک کردن بر سر زنان هم دلیل چیزی نمیشه که! حتی در دوره شاه زنان و دخترها خیلی محبوبتر و پاکتر و خانم تر از این بودند! الان زنان اصلا در ایران به کسی نمیتونند اطمینان کنند، و اینها با اینهمه شعارها و محدودیتهایی که قائلند دارند ترسی میسازند و اونوقت زنان هم ممکنه با حجاب باشند و آفتاب مهتاب هم روی اونها رو نبیننه! این مشخصا آخوند جماعت از همه طرف زنان رو

تهدید میکنند ولی مردم عادی که اینجور نیستند که! مگر الان در کشورهای پیشرفته و کشورهایی که آزادند و حجاب هم اجباری نیست اتفاقی افتاده و طوری شده؟! واقعا شما درست میفرمایید که حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامیه و يك سپر بلایی برای این حکومت یعنی هر جوری که اینها بخوان که به مردم فشار بیارن اول باید به حجاب فشار بیارند! در هر صورت اینها بسیار مسائل عقب مانده و پیش پا افتاده و تاجر اسلامی. اینها بزودی به زباله دان تاریخ خواهند پیوست. حجاب چیزی رو ثابت نمیکنه. خیلی متشکرم که بمن این فرصت رو دادید.

مردی ایرانی

سلام قربان خسته نباشید. آقا من جوان بیست و هفت ساله ام و بشدت از این رژیم نفرت دارم قربان. الان بیکارم و الان خداوکیلی یک هفته است که زن و بچه ام رو فرستادم به خونه پدرش و موندم که چکار کنم. یعنی دارم دیوونه میشم و اصلا دیگه موندم چه بکنم و دردم رو به کی بگم. باور کنید که به فکرش که کلیه ام رو بفروشم! و به امام زمان موندم که کلیه مو فروشم که يك بچه دو ساله دارم و هر جا میرم کار نیست! و بیکارم زیاده خدا و کیکی!

جوان ۲۷ ساله از ایران

درود به آقای کریمی. علت عقب افتادگی اسلام با توجه به ضد زن بودن آن از حیث اقتصادی فراتر از آن است که با توجه به نصف جمعیت که از تولید اقتصادی دور کرده و جامعه را به فقر و فلاکت میکشاند حرف زن از استقلال و آزادی يك شعاری بیش نخواهد بود، همانطوری که در ممالک اسلامی مشهوره، برخورد ویرانگر با زن مقدس تر از آنست که در عصر تکنولوژی به تصور آید. در حکومت اسلامی نصف جامعه فقط مصرف کننده خواهند بود. اسلام تدارک دهنده خانه های عفاف و بهره کشی جنسی است که یادگار عصری است که محمد طفل نه ساله را با شکنجه و تجاوز در کنار بیست و دو زن دیگرش با بی حقوقی مطلق قرار داد! و آخوندهای جنایتکار هم ادامه دهنده آن راهند و زن را از مالک بودن از جان و امیال خود منع کرده اند! مرگ بر حکومت اسلامی، و ما این حکومت کثیف را بیزیر میکشیم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری.  
مردی از ایران

سلام آقای کریمی عزیز. در مورد حجاب این حکومت جمهوری اسلامی بگم که مثلا مردی که هیچ مشکلی نداره طرحی میده به رئیس جمهوری که کسانی که شلوار میپوشند پاچه های شلوارشو قیچی کنیم و از فردا شروع میکنند به این گیر دادنها! من دانشجویم و از دم در که وارد میشم اگر آستین کوتاه داشته باشیم میگن آقا شما با این پیراهن نیا توی دانشگاه و با این موها نیا به دانشگاه! حالا اینها به مرد اینجور گیر میدن وای بحال يك زن! نمیدانم که آزاد باشه. خدا شاهده اگر من زن بگیرم به ولای علی میگم هر طور خودت راحتی آزادانه زندگی کن. مثلا میگیم حجاب، بخدا قسم من دختر سراغ دارم که حجاب را کامل رعایت میکنه ولی هزار تا بلا و بدبختی توشه! اونوقت از اینطرف هم میگن حجاب حجاب! اگر مردم بتونند آزادانه زندگی کنند خیلی هم خوب پیشرفت میکنند ولی متاسفانه اینها اینجور چیزها رو نمیدونن! اینها کاری کردن که يك دختری اگه با مانتو بره تو خیابون اصلا کاری میکنند که بنده خدا رو نیست و نابودش میکنند. بنظرم فقط باید شما به مردم کمک کنید چونکه برنامه هاتون واقعا آموزنده است. خود شخص من که روز اول به برنامه شما نگاه میکردم میگفتم آخه اینها چی میگن؟ ولی الان میدونم که واقعا برنامه شما منطقیه و باب دل این جوونهاست و باب دل منه این برنامه. من الان در برنامه های پخش زنده حتما باید با کانال جدید باشم. بعد خواهشی هم که میکنم اینه که واقعا گروه تان را به کمی محکمتر کنید و کارهای نفوذی تان را شروع کنید و خود شخص من اولین شخصی میشم که قدم بردارم من میخوام با شما تماس بگیرم.

جوان ۲۷ ساله دانشجو از ایران

درود بر شما آقای کریمی. اولاً که در زمان اسلام مردم لخت بودند و لباسی نداشتند که بدنشان را بپوشوند و پوشش از اونجا اومده. دوم اینکه فیلسوف اینها مرتضی مطهری بود که چیزی حالیش نبوده میگه اگر بی حجابی تمدن بودن است

## از صفحه ۱۴ صدای مردم در کانال جدید ...

پس حیوانات از انسان متمم ترند! خب این بی حجابی یا بد حجابی یا کم حجابی اصلا چه ربطی به حیوان داره! حیوان چه ربطی به انسان داره آقا! شما اگر زنان رو حیوان می‌دونی خب بیا بگو زنها حیوانند! حالا با این حساب من میتونم بفهمم که خب يك مرد متونه مسلمان باشه ولی من نیفهمم يك زن چطور میتونه مسلمان باشه؟ هان! و چرا باید دنباله رو این حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی باشه؟ این منو به تعجب وا میداره! خاك بر اون سرتون بکنند با این حکومتون! و با این حجاب و این قوانین متعجب و عقب افتاده عهد عتیقتون! خاك عالم تو اون سرتون بکنند!

مردی از ایران

با سلام بشما و درود به حامیان حقوق زن. آقای کریمی، چرا این حکومت، اسلام رو ابزاری کرده برای دزدیهاشون؟ چرا این حکومت کمترین و کوچکتین ارزشی برای زنان قائل نمیشه؟ چرا زنان جامعه ما رو از يك ورزش ساده محروم کردند و چرا لباس زنان رو ابزاری کردند برای اینکه همه آزادی اینها را بگیرند؟ چرا بیشتر زنان ما برای دین اسلام ساختگی، خود اینهایی که این حکومت رو بوجود آورده اند باید از خیلی چیزهاشون بگذرند؟ چرا باید اینهمه مرز بین انسانها باشه و کشور ما از بسیاری از ارزشها خالی بشه؟ زنان مسیونون در خود کشور ما کارهای خارق العاده ای انجام بدهند، ولی این دین ساختگی که این حجاب رو بوجود آورده هرگز با خواست زنان جامعه نمیتونه هیچ مطابقتی داشته باشه. حجاب شده يك سپر بلایی که فقط مفتخوری و چپاول خودشون را بکنند!

مردی از ایران

سلام آقای کریمی شب شما بخیر. واقعا این حجاب شیشه عمر این حکومته و اینها با این حجاب میتونن پایدار بمونن. زنان جامعه ما حتی در قفس هم يك شیرند و از پشت قفس هم اینها را به درد میارند. در واقع این قفس همان مجموعه ای از مشکلاته و تبعیض و اعدام و سنگسار و غیره هم هستند که به زنان ما تحمیل کرده اند! و به همه مردم تحمیل کرده اند، و همه از درآمدهای کم مینالند و از بیکاری و اعتیاد و مشکلات با کارفرماهای

خود مینالند! و تماشای اینها چقدر مایوس کننده هست که ما هیچگونه اقدامی نداشته باشیم! در صورتی که ما باید زیر پرچم حزب کمونیست کارگری جمع شویم و به فراخوان حزب پاسخ بدم. زنده باد حزب کمونیست کارگری. سرنگون باد جمهوری اسلامی. مردی از ایران

سلام آقای کریمی میخواستم از برنامه خوبتون تشکر کنم. والله ما میبینیم که کسی حق و حقوقی به زن نداد! زنان ما بنده خداها اینجا اسیرند! اون آقای هم که از اسلام و غیره صحبت میکرد اصلا پدر و مادران ما هم اسلام رو نمیشناسند! این دین ما اجباریه و هر بلایی هم که هست از همین دین میکشیم و گرفتارش شدیم! يك مشت آخوند مفتخور دارند از این دین استفاده میکنند و توی سر ما میزنند و ما هم فکر میکنیم که اگر به اینها بد گفتیم میریم به جهنم و غیره! حالا خیلی ها هم خیال میکنند که همین شصت هفتاد میلیون ما میریم بهشت! و بقیه مردم دنیا میرن جهنم! مردم باید آگاه باشند. تو محل ما عده ای رو جمع کرده اند و میزنند تو سرشون و بعد از مراسم هم میبینی آقای هم که میزده به سرش اصلا گیجه و نمیدونه که کجا بره! مردم بیکار و علاف رو گرفتار این چیزها کرده اند! امیدواریم مردم ببینند و چشم و گوششون باز بشه و بفهمند که حداقل کجای این دنیا هستند!

مردی از ایران

سلام آقای کریمی. خیلی وقته روی خطم و خیلی خوشحالم که بعنوان يك زن اوادم رو خط. من میخوام بعنوان يك خانم چیزهایی که دیده ام و واقعت هست بگم. داخل ایران آقایون حزب اللهی یا جانباز یا همین آخوندهاش که در و دیوار ایران رو پر کردند اصلا براشون حجاب و بی حجاب مهم نیست! شوهر من بخاطر سرطان پانزده ساله که فوت کرده و من با دو بچه کوچک بیوه شدم و مجبور شدم برم سر کار. بمن گفتن که برو دفتر امام خمینی، واقعا شاید خجالت بکشم اینرو بگم ولی باید این واقعت رو بگم ببینید که کثیف تر از اینها کسی پیدا نمیشه، رئیس يك حراست گفتند که برو از امام جمعه برامون نامه بپار که شما ساکن این شهر

هستید و ببینیم که چکار میتونیم براتون بکنیم. من چندان خانم حجابداری هم نبودم چون اعتقادی نداشتم. بلند شدم رفتم چادر پوشیدم و مقنعه پوشیدم و حتی دستکش دستم کردم و با یکی از دختران همسایه - بخاطر اینکه در اون شهر غریب بودم - رفتم خدمت امام جمعه شهر. بمحض اینکه نوبتمون رسید بی شعور احق که هرچی بهشون بگیم کم گفتیم - این درد الان پانزده ساله که تو سینه من - بمن گفت که برای چی میخوای بری سر کار بیا صیغه خودم بشو! اون آخوند که لم داده بود و بالش دیگری هم پشت کمرش بود خانمهای توی صف رو نشون داد گفت اون خانمها همه صیغه ما هستند! آقای کریمی من مکه هم رفتم و اوادم و مسلمان هم هستم و نمیخوام سر اسلام و اینها صحبت کنم و صحبت دیگران رو تکرار کنم ولی تا دلتون بخواد بخاطر جواب رد من و عصبی شدنم پدرمو در آوردند! که زنی هستم و مادری هستم و سرپست يك خانواده ام! و نگذاشتند که سر کار برم و خرجمو در بیارم! من که تازه شوهرم فوت کرده بود همانجا بلند شدم و اونقدر عصبانی شدم حرف گفتم به اون آخوند! و به حلای ناراحت شده بودم که صد تا فحش و بد و بیراه هم گفتم و اوادم بیرون! رفتم آرایشگری و رفتم خیاطی و به هر دری زدم ولی بالاخره خونه نشین شدم تا بعدها بالاخره یه کاری گیر آوردم. يك جانبازی که بخاطر حیثیت این مملکت رفته بود و جنگیده بود دوباره بمن پیشنهاد صیغه داد! که خودش هم زن و دو تا دختر داشت! من برای اینکه کارمو از دست ندم با این آقا کجدار مرخص رفتم میگردم و زن و دختر بزرگشو برخش میکشیدم تا بتونم کارمو ادامه بدم و خرجی خودمو در بیارم! بعد از شش سال کار کردن و بعد از دوازده سال کار تو این کارخونه تو اون کارخونه تو کارخونه دیگه آخرش بمن گفت اگر پیشنهاد منو قبول نکنی از فردا نیا سر کار! آقای کریمی پس خانم اگر محجبه هم باشه نمیتونه تو این مملکت کار کنه و باید خونه نشین بشه! به شخصیت و به انسانیت و به غرور و به مادر بودن و به زن بودن و به همه چی من داشت توهین میشد! فقط تونستم اون جانباز رو بزنم و کینه ام رو روی سرش در بیارم و در اتاقش رو روش محکم ببندم ولی آخرش اوادم خونه نشین شدم!

## جلسات گفتگو با حمید تقوایی

در چت روم های پلتاک و اینسپیک

گفتار این هفته:

چگونه میتوان آپارتاید جنسی را در هم شکست؟

زمان: جمعه ۱۸ بهمن ۱۳۸۷، ۶ فوریه ۲۰۰۹،

ساعت ۱۰ و نیم شب بوقت ایران،

۸ شب بوقت اروپای مرکزی،

۲ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

مکان: اطاق ایران - با حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

در اینسپیک و پلتاک

Iran - bA Hamid Taqvai, Dabire Komite  
Markaziye Hezbe Kominist-Kargari

ما فساد همه جا رو گرفته اما اونوقت احمدی نژاد - معذرت میخوام معذرت میخوام معذرت میخوام من خانم بی تربیتی نیستم ولی واقعا از دست اینها کفری شدم - وقتی میکروفون دستش میافته فقط زر میزنه!

من فقط يك سوالی دارم بمن بگید که این احمقهای بی شعوری که هر سال به اینها رای میدن کی ها هستند؟ من تا حالا یکبار رای نداده ام تو این مملکت، همه مردم رو هم میبینم که از پیر تا جون ناراضند و همه افسردگی گرفته اند اما بمن بگید که کی ها میرن به اینها رای میدن؟ چرا نمیذارند که این آشغاه گورشون رو کم کند از این مملکت؟ من که بد حجابی نکرده بودم، دخترم هم که نفر اول کامپیوتره! پسر هم که جزو تیز هوشان این مملکته! من که میخوام سالم زندگی کنم پس چرا نمیذارن؟ اینها بما زنان مثل گلگه نگاه میکنند! مثل بره های داخل گلگه نگاه میکنند فقط کافیست که بره یه کمی از گلهاش دور بشه اونوقت خود سپاهی هاشون، خود جانبازاشون، خود اصلی هاشون هستند که اول از همه گردنشون رو باز میکنند. بخدا قسم آقای کریمی همه اینها بسر خودم اوادم و کاری با دیگران ندارم.

زنی از ایران

این مطلب را ناصر احمدی  
پیاده و تایپ کرده است.

و الان خرجو نمیتونم در بیارم ولی نمیتونم برم تو خیابون راه برم! چرا؟! چونکه زنم! یا چون دفاع از خود دارم و آبرو دارم؟! یا چون اگر بلند شم برم بیرون صورتمو خط خطی میکنند؟! بخاطر اینکه میخوام مثل انسان زندگی کنم و زیر بار این و اون نرم و بخاطر اینکه دستمالی نشم! اونوقت احمدی نژاد بیسواد وقتی میره پشت بلندگو همه اش چرت و پرت میگه. احمق رو معلوم نیست از کدام پشت کوه پیدا کردند و آوردند و گذاشتند رئیس جمهوری! و خبر نداره که ما زنان بیوه و بی سرپرست چی میکشیم! وقتی یادم میاد که اینها با من چکار کردند بدنم داره میلرزه! اینها بفکر ما نیستند و حجاب سرگرمیه و چادر سرگرمیه! یه روز به يك چیز بند میکنند و روزی به چیز دیگه بند میکنند و یه روز هم به اون یکی بند میکنند! بمن میگن برو فرم سرپرست خانواده پر کن، آخه کدوم فرم؟ صبح که از در که میزنم بیرون همه شون میخوان صیغه کنند! من بجهنم و از سن من گذشته دیگه ولی خداوکیلی به اون مکه و راهی که رفتم و اوادم به اون خدا به اون مقدساتی که اینها هرگز اعتقاد ندارند من دختران شانزده ساله ای رو سراغ دارم که برای يك شلوار میرن توی اتاق پرو لباس و مجبورند که بخاطر يك روسری مفت و يك شلوار مفت حاضر بشند که آقای فروشنده هر کاری باهاشون بکنه! تو جامعه

## در حاشیه رویدادها

محمد رضا پویا



### تجزیه جبهه دوم خرداد

فعالیت‌های تشکل دوم خرداد دفتر تحکیم وحدت ممنوع اعلام شد. اخباری از قبیل ممنوع شدن، دستگیر شدن، غیر قانونی شدن و اعدام شدن سر تیترو روزانه کل مدیایی است که خبری در باره اوضاع سیاسی ایران ارسال میکنند. شاید خبر ممنوعیت دفتر تحکیم هم در نگاه اول، جزو همین ممنوعیت‌های اعمال شده یومیه رژیم اسلامی بنظر آید. اما مسئله فراتر از بستن یک تشکل دانشجویی دوم خرداد است.

جبهه دوم خرداد در حال تجزیه است. طیفی در این جبهه که شامل دفتر تحکیم هم میشود، ادامه وضعیت کنونی را خطرناک ارزیابی میکند. آنها خواهان حذف ولایت فقیه از قانون اساسی هستند، خواهان حجاب "زن‌گین تر" و با "تعامل" بیشتر هستند و سازش علنی با غرب را نقطه شروع "اصلاحات" واقعی در رژیم اسلامی میدانند. نهضت آزادی و کل حواشی آن، منتظری، دفتر تحکیم و کوچ کرده های دوم خرداد که علی الحساب مهمان راست پرو غرب می باشند، به این پلاتفرم پیوسته اند. این یک انشعاب رسمی در جبهه دوم خرداد است که ممنوعیت دفتر تحکیم آترا علنی و عیان ساخت. احزاب رسمی دوم خرداد فاصله خود را با این طیف حفظ کرده اند. همین

اسلامی بود. اما افزایش قدرت جنبش سرنگونی و چپگرایی در جامعه، آینده سیاسی این جبهه را برای بخشی از این طیف به زیر علامت سوال بزرگی برده است. شکلگیری طیفی از دوم خردادی ها به زیر پرچم "برکناری ولی فقیه"، عکس العملی به همین بی آیندگی سیاسی است. اینها نقش جنبش کمونیسم کارگری در تعمیق نه مردم به رژیم اسلامی و شکلگیری مطالبات رادیکال و چپ در جامعه را رویت کرده اند، از همینرو نتنها به مولفه های مهم "نه" مردم از قبیل نه به مذهب، نه به زن ستیزی، نه به فقر و نه به جمهوری اسلامی، رجوع نمی کنند بلکه با شعار "برکناری ولی فقیه" تلاش دارند سقف خواسته های سیاسی مردم را تا سطح پلاتفرم سیاسی خود تنزل دهند. اینها درباری های دپیروزند که در سال شصت کلت به کمر دانشجویان و استادان کمونیست را از سر کلاس های درس به میدانهای تیر زندان اوین روانه کردند و امروز از ترس مردم و کمونیسم جامعه، به "شاپور بختیار های" رژیم تبدیل شده اند. اتفاقی نیست که شعارهایشان هم مشابه شعارهای جبهه ملی چی های آندوره است.

انشعاب در بالایی ها نشان از آن دارد که تحولات سیاسی در ایران شتاب بیشتری گرفته است. مردم خاکریزهای بیشتری را به تصرف خود در آورده اند. روز سه شنبه پانزدهم بهمن روزنامه کیهان در گزارشی نگرانی عمیق رژیم از شعار "مرگ بر دیکتاتور" دانشجویان خطاب به خامنه ای را بیان کرده است. کیهان شاکمی است که چرا نشریات

"چپ و مستقل" دانشجویی جسارت "توهین" به رهبر را پیدا کرده اند؟ نگرانی کیهان بیان این واقعیت است که جانیانی مانند احمدی نژاد هم که وعده کشتارهای دهه شصت را به سران رژیم داده بود، نتوانست ذره ای در عزم مردم جهت سرنگونی رژیم اسلامی، خللی ایجاد نماید. دانشجویان نماد قدرت رژیم را "سید علی پینوشه" خطاب کردند و با "مرگ بر دیکتاتور" بلور "مقدسات" کیهان و رژیم اسلامی را شکستند.

### پرتاب موشک امید، دور جدیدی از تقابل دو قطب

پرتاب موشک امید این نگرانی را بوجود آورده است که جمهوری اسلامی از این تکنولوژی برای پرتاب کلاهک های اتمی استفاده کند. این واقعه بلافاصله به یکی از موضوعات بحث دول ۱+۵ در ویسپادن آلمان تبدیل شد. سرکوزی و آنجلا مرکل در نوشته مشترکی تهدید کردند که تحریم های اقتصادی سنگین تری را اعمال خواهند کرد چنانچه دور آتی مذاکرات غرب با رژیم اسلامی به نتیجه نرسد. این تصویر گویای شروع یک دور دیگر از جدال دو قطب تروریستی است. اوپاما با حمایت دول اروپایی و با پیشنهاد مذاکرات بی قید و شرط، تلاش دارد رژیم اسلامی را برای پذیرش شرایط غرب مجاب نماید. اما حل و یا حتی تخفیف نزاع های دو قطب تروریستی دیگر تنها به تمایل طرفین بستگی ندارد. "اجبارهای" سیاسی جمهوری اسلامی برای ادامه این کشمکش عمیق و حیاتی است.

هرگونه عقب نشینی در برابر غرب، پایه های رژیم را بلرزه در می آورد. خامنه ای و سران جناح راست، پذیرش شروط غرب مبنی بر عدم حمایت از نیروهای اسلامی و تعلیق غنی سازی را، آغاز شمارش معکوس برای سقوط رژیم اسلامی می دانند. برای جمهوری اسلامی هر نوع دست کشیدن از "ضد امریکایی" گری بمنزله اعلام بی "هویتی" و دعوت مردم به سرنگونی حکومت است. جناح راست مخاطرات اینکار را می شناسد، آنهم در زمانیکه یک جامعه هفتاد میلیونی مترصد فرصت، برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز برداشته اند. از همینرو این جناح ادامه حیات رژیم خود را در گرو سرکوب "داخل" و مقاومت در برابر غرب می داند، مقاومتی که از نظر آنها منجر به برسمیت شناختن جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه ای از جانب غرب میشود. فرا خواندن چهره های نظامی مانند یحیی رحیم صفوی به شرکت در انتخابات، نشان میدهد که جناح راست در پیشبرد استراتژی سیاسی کنونی خود کاملاً مصر است. رژیم اسلامی نمی تواند به هیچ توافق ضمانت داری با غرب برسد. حتی اگر دوم خردادی ها هم کرسی ریاست جمهوری را تصاحب کنند، قادر به حاکم کردن خط مشی خود به عنوان خطر رسمی حکومت نمی باشند. جناح راست تمایل دارد مذاکره و سازش با غرب را خود راسا "مدیریت" کند. دول غربی هم به این سیگنال جواب مثبت داده اند، اما مشکل جناح راست این است که قدرت مانور چندانی در مذاکره با غرب ندارد. \*

## سر بی کلاه جمهوری اسلامی مجاهدین، اتحادیه اروپا



ناصر اصغری

خوبی را در دست دارند که این موضوع را پیگیری کنند. در حاشیه این اظهارات محسن رضائی در واقع چند نکته مهم هستند که لازم است رویشان تاکید شود.

۱) محسن رضائی که از مهرهای اصلی جناح اصولگرایان حکومت است، دارد بر بی لیاقتی دولت احمدی نژاد که دولت جناح اصولگراها و با پشتوانه خامنه ای است، تأکید می کند. ریاست جمهوری اسلامی احمدی نژاد دارد به پایان ترم خود نزدیک می شود،

سایت "شهاب نیوز" در روز ۱۵ بهمن ماه خبری داشت مبنی بر اینکه محسن رضائی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، به دولت گفته است که باید از اتحادیه اروپا بخاطر در آوردن نام مجاهدین از لیست سازمانهای تروریست شکایت می کرد. گفته است که وزارت امور خارجه تعلل کرد و می توانست با قدرت بیشتری عمل کند. گفته است: "بیش از یکسال است که این موضوع از انگلیس آغاز شده و ...". اشاره کرده که هنوز هم دیر نشده و وزارت اطلاعات و وزارت خارجه امکانات

خامنه ای پشت او رفته است، اما اختلاف نظر جدی در بین همین جناح بر سر لیاقت ایشان برای دور دیگری از ریاست جمهوری اسلامی وجود دارد. دعوایشان وارد جای باریکی شده است. دیروز قالیباف رهبرشان را نفهم دانست و گفت که اعمالش منافقانه است، امروز محسن رضائی دارد به او دهن کجی می کند.

۲) خروج نام یک نیروی اپوزیسیون رژیم اسلامی، با هر اختلاف نظری که با آن نیرو داشته باشیم، یک شکست برای

رژیم تروریستهای اسلامی است. رژیم اسلامی ایران تروریست ترین نیروی تاریخ معاصر است. بشریت با تروریسم قبل از قدرت گیری رژیم اسلامی در ایران، در چنین ابعادی مواجه نبود. یک وظیفه مهم اپوزیسیون رژیم اسلامی در خارج کشور، عقب راندن نیروها و دولتتها از مواضعی است که به هر دلیل و بهانه ای رژیم تروریست اسلامی را تقویت می کنند. تروریست خواندن یک نیروی چه در دنیای واقعی تروریست باشد و چه نباشد، یک ترم دلخواهی است که دولتها در تنظیم روابط بین خود از آن استفاده می کنند.

۳) رژیم اسلامی چه در ماجرای عراق و چه در فلسطین و لبنان، احتیاج به یک حربه برای معامله داشت که قرار دادن یک نیروی اپوزیسیون آن در لیست نیروهای تروریست، وزنه را به نفع

جمهوری اسلامی سنگین می کرد. اکنون که بدون گرفتن کوچکترین امتیازی از غرب از طرف جمهوری اسلامی، مجاهدین از لیست تروریستها در این بلوک خارج شده است، سر رژیم بی کلاه ماند.

۴) قدم بعدی، نجات جان پناهندگان مستقر در اردوگاههای عراق، از جمله قرارگاه اشرف است که رژیم جمهوری اسلامی و دولت عراق برای معامله بر سر جان آنها دندان تیز کرده اند. "هنوز دیر نشده است". همان چیزی که محسن رضائی رویش تاکید میکند و وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه شان در جریان هستند، به خوبی نشان میدهد که ما قبل از اینکه دیر شود باید جان این انسانها را از دست معاملات کثیفی که در جریان است نجات دهیم. \*